

در مورد اعتراضات گسترده کارگران نفت

یک سوال از کاظم نیکخواه! صفحه ۳



راهپیمایی ۵۰۰۰ کارگر ارکان ثالث و پالایش گاز فجر در نفت

بدون ما کار شما تمام است! صفحه ۶

دستمزد ما در دستان ماست

حمید دائمی-کارگر کارگاهی، صفحه ۷

پرستو بازداشت و آزاد شد! - حمید تقوایی ، صفحه ۸

مردم صدای خس خس گلوی جمهوری اسلامی را می شنوند! مهران محبی، صفحه ۴

تجمعات معلمان بازنشسته ۱۴۰۲، کارگران آتش نشانی در اهواز و دو خبر دیگر صفحه ۱۰

تجمع اعتراضی کارگران ارکان ثالث در بهرگان

کارگران ارکان ثالث در تدارک تجمعات سراسری سه شنبه های اعتراضی، صفحه ۱۳

تجمعات بازنشستگان تامین اجتماعی در تهران فولاد در اصفهان و اخباری دیگر، صفحه ۱۳

افزایش قیمت دلار، نشانه کاهش عمر حکومت

کاظم نیکخواه، صفحه ۱۴

تجمع کارگران جوشکار پالایشگاه تهران، بازنشستگان مخابرات در شیراز و بروجرد و اخباری دیگر

صفحه ۱۴

جنبش علیه اعدام در ایران را می توان گسترده تر کرد

یک سؤال از شهلا دانشفر، صفحه ۱۵

مدیای اجتماعی

قانون حجاب و عفاف، تجاوز آشکار به حقوق زنان است!، صفحه ۱۴

آزادی پرستو احمدی و همکارانش؛ نماد قدرت انقلاب زن، زندگی، آزادی، صفحه ۱۶

کارزاری برای نجات جان پرخشان عزیز، صفحه ۱۶

کارگر کمونیست

درباره مسائل جنبش کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهلا دانشفر

shahla.daneshfar2@gmail.com

۸۶۲

۲۷ آذر ۱۴۰۳

۱۷ دسامبر ۲۰۲۴



دوشنبه ها منتشر میشود

بیانیه حزب کمونیست
کارگری در باره سقوط بشار
اسد و موقعیت جمهوری
اسلامی، صفحه ۲

تحولات سوریه و نقش
کمونیستها در ایران
یاشار سهندی، صفحه ۵

سه شنبه ۲۰ آذر: تجمع
بازنشستگان کشوری در
تهران صفحه ۸

کارگران در هفته ای که
گذشت
تنظیم: کارگر کمونیست
صفحه ۹

از خوزستان خبر میرسد
صفحه ۱۱



بیانیه حزب کمونیست کارگری در باره سقوط بشار اسد و موقعیت جمهوری اسلامی

با سقوط بشار اسد یکی دیگر از سفاکترین دیکتاتورهای تاریخ از صحنه سیاسی منطقه حذف شد. با فرار بشار اسد به روسیه، مردم ایران نیز مانند مردم سوریه غرق در شادی شدند. برای مردم ایران، سقوط اسد بشارت دهنده سقوط خامنه ای است که همراه بشار اسد دستش به خون مردم بپا خاسته سوریه آغشته است. مردمی که ۱۳ سال پیش بپا خاستند تا از شر دیکتاتور سوریه رها شوند. دیکتاتوری ساقط شده است که انقلابشان را با کمک و حمایت بیدریغ جمهوری اسلامی، که خود در کشتار مردم ایران ید طولانی دارد، با قساوت تمام در هم کوبید. فروریختن بمبهای بشکه ای بر سر مردم، حمله شیمیایی، ویرانی بخش اعظم کشور، بیش از پانصد هزار نفر کشته و نزدیک به ده میلیون نفر آواره و بی خانمان، و حبس و شکنجه دهها هزار نفر زندانی در سیاهچالهای مخوف، ثمره توحش مشترک جمهوری اسلامی و دولت بشار اسد در دوره بعد از انقلابات بهار عرب است. فروپاشی حکومت اسد در واقع فرو ریختن بخشی از ماشین سرکوب و کشتار جمهوری اسلامی نیز هست.

در سطح منطقه ای سقوط اسد ضربه مهلک دیگری به نفوذ جمهوری اسلامی است. "محور مقاومت" در استراتژی منطقه ای جمهوری اسلامی نقش حیاتی داشت. بعد از حماس و حزب الله، بشار اسد به مثابه رکن دولتی این محور جنایت اسلامی نقش مهمی ایفا میکرد. از نظر جمهوری اسلامی، سوریه استان ۳۵ ام محسوب میشد که نباید از دست برود و در همین جهت حکومت اسلامی برای نجات بشار اسد از انقلاب مردم سوریه، دهها میلیارد دلار هزینه کرد و سپاه قدس را به کمک او فرستاد تا مردم بپا خاسته سوریه را باهم کشتار کنند.

تا آنجا که به مساله فلسطین مربوط میشود نیز سقوط اسد تحول مثبتی است. خامنه ای دولت سوریه و بشار اسد را "خط مقدم مقاومت در برابر رژیم صهیونیستی" میدانست. با سقوط بشار اسد این خط مقدم در هم شکسته است، محور مقاومت فروپاشیده است، جمهوری اسلامی بیش از پیش در منطقه منزوی شده است، و در نتیجه فضای تقابل نیروهای اسلامی و جریانات دست راستی در اسرائیل، که آن روی سکه و ورژن یهودی فاشیسم اسلامی هستند، هم تنگتر شده و زمینه برای نیروهای چپ، مترقی و سکولار در منطقه فراهم شده است تا در مقابل جریانات اسلامی و نیروهای دست راستی حاکم در اسرائیل، مجدداً برای راه حل انسانی مساله فلسطین، برای طرح دو دولت به میدان بیایند.

سقوط بشار اسد با پیشروی برق آسای نیروهای مسلح مخالف بشار اسد و در راس آنها "هیئت تحریرشام" رخ داد. دولت ترکیه در تجهیز و تسلیح بخش مهمی از این نیروها نقشی اساسی داشت اما زمینه و شرایط سقوط اسد و حتی فعال شدن دولت ترکیه را تضعیف سه حامی اصلی دولت اسد فراهم آورد. روسیه که در باتلاق اوکراین دست و پا میزند عملاً پشت اسد را خالی کرد. زیر پای جمهوری اسلامی در ایران داغ است و شیخ سرنگونی مدام بالای سرش چرخ میزند و خودش به ناجی احتیاج دارد. حزب الله هم در وضعیتی است که نمیداند پیکر نیمه جانش را چگونه نجات دهد و از حامی اصلیش یعنی جمهوری اسلامی هم کاری ساخته نیست. و بالاخره اسد سقوط کرد چون در میان مردم سوریه منفور بود و حتی ارتش او هم حاضر نشد برای حفظش کاری انجام دهد. در چنین شرایطی بود که جریان اسلامی هیئت تحریر شام البته در قالبی جدید و با کمک دولت اردوغان توانست میداندار سقوط اسد شود.

هیئت تحریر شام یک جریان اسلامی است و به صرف ایدئولوژی اسلامیش پتانسیل بالایی برای اعمال احکام اسلامی ضدانسانی بر زندگی مردم و پایمال کردن

حقوق مردم دارد اما اظهارات و رفتارهای تا کنونیش حاکی از این است که میدانند برای جاری کردن احکام اسلامی با موانع سیاسی و اجتماعی در سوریه و در منطقه مواجه است و از همین الان مجبور شده است به مردم اطمینان دهد که قصد ندارد طوری رفتار کند که مردم از جریانات اسلامی انتظار دارند.

مهمترین و اصلی ترین مانع در مقابل جریانات اسلامی چه شیعی و چه سنی، شکست های سنگینی است که اسلام سیاسی در منطقه متحمل شده است. جدا از اینکه در سالهای گذشته در افغانستان و عراق و سایر کشورهای منطقه فضای اجتماعی سرشار از مقاومت در مقابل تعرض اسلام به زندگی مردم بوده است، در ایران انقلاب بزرگی برای ساقط کردن حکومت اسلامی و پایان دادن به دخالت قوانین اسلامی در زندگی مردم در جریان است که مایه امید میلیون ها انسان در منطقه شده است. انقلابی که نشان داد که دوره پارادایم "زن زندگی آزادی" آغاز شده است و فضا برای یکه تازی جریانات اسلامی بسته شده است. حتی سرسخت ترین جریانات متحجر اسلامی هم با رصد کردن انقلاب مردم ایران علیه حاکمیت اسلامی متوجه موج قدرتمند مقاومت و مبارزه علیه تحجر اسلامی شده اند. رفتار تاکتونی تحریر شام نشان میدهد که میدانند دوران یکه تازی اسلام سیاسی پایان یافته است. ژست هایی که تحریر شام می گیرد فقط خدعه سیاسی برای تثبیت قدرت نیست. نشانه ای از موقعیت نزار نیروهای اسلامی در منطقه و قدرت مردم سکولار علیه جریانات اسلامی است. تعجب آور نیست که هیئت تحریر شام، بقایای داعش که راه انداختن بازار فروش زنان به عنوان برده را در کارنامه جنایتکارانه اش دارد، امروز مجبور شده است اعلام کند دخالت در نوع پوشش زنان ممنوع است!

علیرغم همه اینها، با توجه به ماهیت اسلامی نیروهای جایگزین بشار اسد، با توجه به نقش دولت های ارتجاعی منطقه و قدرتهای جهانی از جمله آمریکا و روسیه برای تامین حضور خود در آینده سیاسی سوریه، آینده مردم سوریه در ابهام است. اما آنچه روشن است این واقعیت است که با پایان دیکتاتوری بشار اسد، زیر پای جمهوری اسلامی به مثابه راس اسلام سیاسی در منطقه تماماً خالی شده است و عملاً یک مانع مهم در مقابل نیروهای انقلابی و سکولار منطقه در هم شکسته است. این شرایط زمینه مساعدی برای مقابله فعال نیروهای سکولار و مترقی در سوریه در برابر هر نوع اسلامگرانی حاکمین تازه فراهم میکند.

سقوط بشار اسد بی تردید مردم ایران را در موقعیت بسیار مناسبی برای ادامه انقلاب زن زندگی آزادی قرار داده است. انقلابی که با پیروزی شهروندان ستمدیده سوریه که تشنه رهایی از هر نوع دیکتاتوری از جمله دیکتاتوری اسلامی هستند را در موقعیت بهتری قرار میدهد تا برای استقرار نظامی مبارزه کنند که در آن سکولاریسم، آزادی، برابری و رفاه همه شهروندان قانون حاکم بر جامعه باشد.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۰ آذر ۱۴۰۳، ۱۰ دسامبر ۲۰۲۴



در مورد اعتراضات گسترده کارگران نفت

یک سوال از کاظم نیکخواه

کارگر کمونیست: یک اتفاق مهم در بیستم آذر ماه اعتصاب، تجمع و راهپیمایی پنج هزار کارگر ارکان ثالث در مجتمع گاز پارس جنوبی با اولتیماتوم "این آخرین پیام است، بدون ما کار شما تمام است" بود. ارزیابی شما از این حرکت اعتراضی چیست و روند اوضاع را چگونه می بینید؟-

کاظم نیکخواه: این حرکت توجه بسیاری را به خود جلب کرد و یک بار دیگر نشان داد که فضای اعتراضی در نفت به چه سمتی حرکت میکنند. گستردگی حرکت کارگران ارکان ثالث و شعارهای تندشان علیه حاکمیت، و اولتیماتوم آنها به مدیران و حکومت برای بهبود شرایط و حقوقها، فضا را به خوبی بازتاب میدهد. و این تازه گوشه کوچکی از واقعیت را نشان میدهد. همانطور که اطلاع دارید کارگران ارکان ثالث سه شبه ها را به عنوان روز اعتراض خود اعلام کرده اند و قرار است هر سه شبه دست به اعتراض و اعتصاب بزنند. همچنین بنا به گزارش شورای سازماندهی کارگران ارکان ثالث در تدارک اعتصاب و اعتراض سراسری و هماهنگ در سراسر کشور هستند. که اگر چنین حرکتی هم صورت بگیرد قطعا بر فضای جامعه تاثیرات سیاسی جدی ای خواهد گذاشت و جنبش کارگری را یک گام اساسی جلو خواهد برد و بار دیگر توجه کل جامعه را به سمت کارگران نفت جلب خواهد کرد.

کلا فضای اعتراضات در نفت در این دوره یک فاکتور مهم را وارد عرصه اعتراضی و سیاسی کرده است. مراکز تولید و بازیابی نفت در سراسر کشور پراکنده اند و حرکت کارگران نفت بر همه بخشهای جامعه تاثیر فوری میگذارد. همانطور که میدانید حکومت اسلامی از سالها پیش با توطئه گری تمام، کارگران نفت را تکه تکه کرد. بخشهای رسمی را کلا تحت عنوان کارمند از کارگران جدا کرد. بقیه را هم تکه تکه

کرد و هر بخش را تحت کنترل یک پیمانکار قرار داد. با این کار حکومت با یک تیر دو نشان زد. هم فضای اعتراضی کارگران نفت را عقب راند و نفت را زیر کنترل کامل خود قرار داد و هم پیمانکاران بسیاری را که اکثرا از سران سپاه و مفتخوران حکومتی و آقا زاده ها بودند در ثروتهای نفتی شریک کرد و بساط چپاولش را در نفت پهن کرد و گسترش داد. با این سیاست توانست از حرکت سراسری و گسترده نفت جلوگیری کند و یک فضای خفقان و پادگانی بر نفت حاکم شد. اما از یکی دو سال گذشته و بویژه بعد از انقلاب زن زندگی آزادی، این فضا شکسته شده و بخشهای مختلف کارگران نفت دست به اعتراضات و اعتصابات متعددی زده اند. کارگران پیمانی نفت هم سال گذشته اعتصابات و اعتراضات گسترده ای داشتند، کارگران رسمی نفت مدتهاست که وارد اعتراضات شده اند و این هم بسیار مهم است. و همچنین کارگران ارکان ثالث کارگران ارکان ثالث مدتهاست که در اعتراضند و بر افزایش حقوقها و برداشته شدن سقف حقوق و بهبود شرایط کار و انسانی تر شدن محیط زندگی شان تاکید دارند. حرکت اخیر آنها با شرکت ۵۰۰۰ کارگر اوج تازه ای را در اعتراضات آنها نشان میداد و باید امیدوار بود که سه شبه های اعتراضی نیز بر تحرک بیشتر این کارگران و کلا جنبش کارگری تاثیر بگذارد. بهرحال نفت به تحرک در آمده و دیگر برای حکومت قابل کنترل نیست و این بسیار مهم و قابل توجه است.

بیش از ۵ هزار کارمند زن علیه تبعیض جنسیتی - شهلا دانشفر



بیش از پنج هزار کارمند زن دولت و اعضای هیات علمی دانشگاهها در نامه ای سرگشاده به قالیباف رئیس مجلس اسلامی و زهرا بهروز از معاونین پزشکیان در اعتراض به تبعیض جنسیتی بر سر حقوق و مزایای شغلی خود کارزاری مطالباتی اعلام کرده اند.

امضا کنندگان نامه با اشاره به قوانین تبعیض آمیز، به مواردی از تبعیضها اعتراض کرده اند. عدم پرداخت حق عائلهمندی و اولاد، تبعیض در پرداختهای رفاهی بین زنان و مردان متاهل و دارای فرزند، عدم برخورداری فرزندان زنان متاهل کارمند از حقوق وظیفه و مستمری بازنشستگی در صورت فوت آنها، تبعیض در ارائه تسهیلات از سوی سازمانها بین زنان و مردان متاهل با وجود پرداخت حق بازنشستگی در طی سالیان طولانی خدمت، مثل مردان، تبعیض در لایحه بودجه ۱۴۰۴ در مورد افزایش حقوق پرسنل طبق عائلهمندی و تعداد اولاد که فقط مردان کارمند و هیئت علمی را شامل میشود، موارد ذکر شده در نامه است.

آنها همچنین به پرداخت حقوقی کمتر به زنان کارمند متاهل علیرغم کار مساوی با همکاران مرد، به شمار آمدنشان بعنوان نیروی کار ارزان و اینکه زنان متاهل از حق اولاد محرومند معترضند و بر مطالباتی همچون پرداخت حق عائلهمندی و اولاد صرف نظر از وضعیت اشتغال همسرانشان، اصلاح جدول پرداختهای رفاهی، برخورداری فرزندان زنان کارمند متوفی، دختران مجرد و پسران آنان (تا اتمام دوره تحصیل) از مستمری بازنشستگی و افزایش حقوق سالانه زنان و مردان کارمند بطور عادلانه تاکید کرده اند

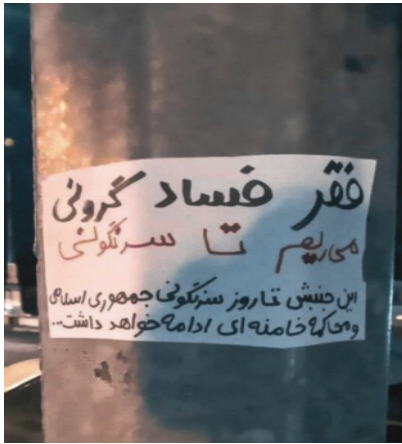
این حرکت اعتراضی علیه تبعیض جنسیتی که به زنان شاغل اعمال میشود

حرکتی مثبت است. اما اشکال نامه استنادش بر اصلی از قانون اساسی است. قانونی بر اساس اسلام که پایه هرگونه تبعیض و آپارتاید جنسیتی حاکم است. خلاف استناد نامه، حتی در صورت طلاق حق اولاد به زن تنها در صورت نبود قیمی دیگر (مرد) داده میشود. جمهوری اسلامی با قوانین اسلامی و پرچم حجاب به کل جامعه تعرض کرده است و استناد به چنین قانونی و درخواست پاداش تحکیم خانواده برای زنان بیراهه است.

طبعاً اعتراض علیه مظاهری از تبعیض جنسیتی علیه زنان اقدامی مثبت بوده و بازتابش در سایت دولتی ایلنا نشانی از پیشروی انقلاب زن زندگی آزادی در اعماق است. انقلابی که یک رکن آن اعتراض علیه آپارتاید جنسیتی است. با اعتراض علیه مظاهر مختلف تبعیض علیه زن، حلقه حمله خود را بر حکومت تنگ تر کنیم. جمهوری اسلامی با کل بساط آپارتاید جنسیتی اش نابود باید گردد

مندرج در ژورنال شماره ۹۰۹.

مردم صدای خسی خسی گلوی جمهوری اسلامی را می شنوند! مهران محبی



باند‌های رقیب درون حکومتی هنوز آمارهای هزینه‌های ده‌ها میلیارد دلاری برای سازماندهی و تأمین مالی و نظامی حزب الله، حماس، حوثی‌ها و بقیه تروریست‌ها در عراق و غیره را لو نداده‌اند. این صدها و شاید هزاران میلیارد دلار صرف شده برای آدمکشی و جنایت در منطقه، تحمیل خسارت‌های هزاران میلیارد دلاری بر اقتصاد کشور را داشته‌اند. تحریم‌های بین‌المللی را در پی داشته‌ست. بدین ترتیب حاصل ۴۵ سال ماجراجویی‌های جنگ‌افروزان و هسته‌ای، و پرورش تروریسم، برای مردم در داخل فقر و گرسنگی، گرانی و تورم، بی‌برقی، بی‌آبی و بی‌گازی و غیر قابل تحمل بودن محیط زیست و غیره است که حالا سران بی‌شرم حکومت را ناچار به اعتراف به وجود این مشکلات و کمبودها می‌کند، بدون اینکه مسئولیت آنها را بپذیرند.

مردم حق دارند که چنگ بر گلوی حکومت و همه سران جنایتکار و دزد و فاسدش بگذارند و صدایشان را خفه کنند. جامعه با همه ترفندهایی که هر یک از دولت‌های جمهوری اسلامی برای فریب و سرکیسه کردن آنها بکار برده‌اند، آشنا است. پاسخ دولت‌های پیشین به مردم معترض به گرانی و کمبود، به دستمزدهای زیر خط فقر و غیره، انکار بود و حالا پاسخ دولت پزشکیان، مقصر دانستن خود مردم است که گوش نمی‌دهند و صرفه‌جویی نمی‌کنند.

واضح است که مردم صدای حکومت را نمی‌شنود. چون صدای حکومت در برابر صدای انقلاب، خسی‌خسی نیست و اتفاقاً مردم آن را می‌شنوند و به زودی قطع‌اش خواهند کرد.

این رژیم تنها شایسته و سزاوار سرنگون شدن است و مردم هم دارند به همان نقطه می‌برند. اینک این ما مردم هستیم که به سران جمهوری اسلامی می‌گوئیم صدا که "نه"، غرش ما را بشنوید و هر چه زودتر گورتان را گم کنید!

ما خود، آگاه هستیم که با قدرت اتحاد و انقلابمان حکومت را به چه ذلتی انداخته‌ایم و سرائش را با چه کابوسی دست به گریبان کرده‌ایم و وقتی که چهره مضطرب پزشکیان و مهاجرانی و بقیه سران درمانده رژیم را در برابر خود می‌بینیم و عجز و التماس‌هایشان را می‌شنویم و به کارآمد بودن و تأثیرگذار بودن مبارزات و اعتراضات خود علیه ۴۵ سال حاکمیت فاسد و رانت‌خوار و جنایتکار بیشتر مطمئن شده‌ و برای به نتیجه قطعی رساندن مبارزاتمان امیدوارتر می‌شویم..

فاطمه مهاجرانی سخنگوی دولت در سخنرانی اش در دانشکده ملی مهارت دکتر شریعتی به مناسبت ۱۶ آذر روز دانشجو، زبان به گله‌مندی از مردم گشود و در پاسخ عمومی مردم که چرا برق قطع می‌شود، گفت: "مردم صدای ما را نمی‌شنوند، لذا صرفه‌جویی نمی‌کنند".

خیلی وقاحت می‌خواهد در این روزها که هزینه‌های ده‌ها و صدها میلیارد دلاری ای که جمهوری اسلامی برای توسعه و تقویت تروریسم اسلامی و محور موسوم به "مقاومت" از دسترنج و جیب مردم کرده، افشاء می‌شوند از مردم خواسته شود حرفشان را بشنوند و نسبت به کمبودها ساکت باشند.

خانم سخنگوی دولت "مثلاً" راستگو و صادق با مردم که وظیفه دولت را بیان واقعیت‌های کمبودها و مشکلات جاری و حاکم بر جامعه و در میان گذاشتن آن‌ها با مردم می‌داند، از دلایل این همه بلایانی که بر سر مردم آورده‌اند حرفی نمی‌زند.

از قرار، وظیفه این دولت در شرایط حاضر و تفاوت اش با دولت‌های پیشین که وجود مشکلات و کمبودها را انکار می‌کردند، اینگونه تعریف شده است که دیگر وجود کمبودها و بن‌بست‌های اقتصادی را انکار نکنند و به مردم بگویند تحریم کمر اقتصاد را شکسته است، ذخائر انرژی "ته" کشیده و در نهایت کاری از دست دولت بر نمی‌آید و این نحوه برخورد با مردم را برای خود یک امتیاز و اعتبار به حساب بیاورد.

واقعیت این است که در حکومت جمهوری اسلامی ذره‌ای از صداقت و روراستی وجود ندارد و دروغ‌گویی و انکار واقعیت و وارونه‌گویی، بخشی از ماهیت آن است. ولی آنچه که امروز حکومت را ناچار به اعتراف (نه راستگویی و صداقت) به بخشی از واقعیت کرده که از زبان دولت حاضرش با ژستی متفاوت با دولت‌های پیشین بیان می‌شود، اوضاعی است که از همه نظر آن را در بن‌بست قرار داده و راهی برای خروج از آن نمی‌بیند. وقتی که توان تأمین حداقل‌های زندگی مردم را ندارند، وقتی که نمی‌توانند برق و آب و گاز و بنزین مورد نیاز مردم را تأمین کنند، دیگر نمی‌توانند از پیشرفت و نزدیک شدن به قله‌های ترقی حرف بزنند و در برابر خواست و اعتراض مردم مجبور به اعتراف به بخشی از واقعیت هستند تا به خیال خود با گرفتن ژست راستگویی، جامعه را به سکوت و همراهی با خود ترغیب کنند.

اما مردم نه سکوت کرده و نه حکومت را همراهی میکنند، بلکه پا روی گلوی جمهوری اسلامی گذاشته و خسی‌خسی در گلوی اش انداخته‌اند و با تنگ‌تر کردن راه نفس اش بیشتر از پیش مجبورش خواهند کرد تا به بخش‌های دیگری از واقعیتی که همچنان از اعتراف به آنها سرباز می‌زند، اعتراف کند. سران حکومت هنوز به ریشه‌ها، دلایل و عوامل مشکلات و کمبودهای تحمیل شده بر جامعه اعتراف نکرده و همچنان سعی در پنهان‌نگه داشتن آنها دارند. ولی به زودی زیر فشار اعتراضات مردم با درماندگی و در عین حال با التماس برای سرنگون‌نکردنشان به آنها هم معترف خواهند شد.

البته تا همین حالا هم در نتیجه تنش‌های درونی حکومت که خود محصول تشدید فشارهای اعتراضات اجتماعی بوده، بخش‌هایی از هزینه‌های صد‌ها و هزارها میلیاردی دلاری برای مقاصد بحران‌آفرینی منطقه‌ای، ساخت بمب هسته‌ای و تروریسم پروری (هر چند که هنوز از آنها به عنوان دلایل اوضاع اقتصادی جاری نام نمی‌برند) افشاء شده، ولی هنوز اعتراف نکرده‌اند که این ماجراجویی‌ها و هزینه‌هایی که برای آن کرده‌اند، دلایل اصلی تحریم و ورشکستگی اقتصادی و تحمیل فقر و گرانی و کمبود بر جامعه بوده‌اند.

هفتمین چند هفته پیش رهبر حزب الله اعلام کرد ۷۷ میلیون دلار کمک ایران را به آوارگان لبنان داده‌اند. خود سران رژیم می‌گویند علاوه بر اینکه میلیاردها دلار برای پرداخت حقوق نیروی تروریست و خرید جنگ‌افزار در سوریه هزینه شده، ۳۰ میلیارد دلار برای سرپا نگه داشتن بشار اسد وام (معلوم است که چینی‌های وامی بی‌بازگشت بوده است) داده‌اند و ۷ میلیارد دلار نیز صرف ساخت و نگهداری تأسیسات هسته‌ای کرده‌اند.

کارگر کمونیست

به حزب کمونیست کارگری پیوندید!

مسئولیت مطالب با نویسندگان
انهاست. درج مقالات در کارگر
کمونیست لزوماً به معنی تأیید
مضمون آنها از جانب نشریه نیست

تلگرام: @wpi_tamas
۰۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲
tamas.wpi@gmail.com



تحولات سوریه و نقش کمونیستها در ایران

یاشار سهندی

برای آنها که به واقعیت تحولات جامعه توجه دارند از سه سال پیش که انقلاب زن زندگی آزادی شکل گرفته است، میتوانند ببینند که این انقلاب نیروی خود را از جنبش چپ اجتماعی قوی گرفته است و پیش از هر چیزی به دنبال منزلت انسانی جامعه است. انقلابی که زیبایی خود را در تجمعات کارگرانی نشان میدهد که زیر فشار نابودکننده اقتصادی، یک دم دست از اعتراض و اعتصاب نکشیده اند چون معیشت و منزلت را در پیوند هم یافته اند. برای بازنشستگان قرار گذاشته بودند که به درد خود بسوزند و بسازند تا مرگ آنها را برآید، اما در کف خیابان حق خود را مطالبه میکنند و حق خود را در آزادی زندانیان سیاسی و لغو اعدام جستجو میکنند. چهره زیبای این انقلاب به اشکال مختلف خود را بروز میدهد، که مهمترین آن رهایی زن بعنوان معیار رهایی جامعه است.

زنان و کل جامعه برای رهایی زن و نه صرفاً "پوشش اختیاری"، در مقابل رژیم سفاک جمهوری اسلامی ایستاده اند و از جمله این حکومت را وادار کردند که قانون ضد انسانی "عفاف و حجاب" را به بهانه سه ماه وقفه برای اجرای آن، ابلاغ نشده کنار بگذارد.

این انقلاب زیبا، زیبایی خود را در کنسرت واقعی پرستو احمدی که از هنر مدرن به خوبی مدد گرفته، و گوشه ای از زندگی انسانی را به نمایش گذاشته است. و شاید مهمتر اینکه همه چیزهایی که انتظار میرفت بعد از سقوط انقلابی جمهوری اسلامی شاهد آن باشیم از جمله برگزاری کنسرت موسیقی آن هم به خوانندگی یک زن.

اما پرستو احمدی در به موقع ترین زمان ممکن کنسرت خود را زیر آسمان شب کویر برگزار کرد و اینگونه جمهوری اسلامی مرگ خود را به تماشا نشست و جامعه به تحسین این اقدام که بدون اغراق به اندازه یک تظاهرات توده ای عظمت و تاثیر داشت، برخاسته است. این حرکت تأکیدی است بر اینکه جواب جنبش اسلامی سرمایه، زن زندگی آزادی است.

در بحبوحه این تحولات سرنوشت ساز، در پی سقوط بشار اسد در سوریه، جمهوری اسلامی در مانده تر از هر وقتی دیگری بسر میرود. درست است که یکی از نیروهای اسلامی ضد بشری در سوریه جلو صحنه است، اما همینکه این نیرو دیگر در توان خود نمی بیند مانند جمهوری اسلامی، یا طالبان و یا داعش، و یا حتی اخوان مسلمین به مقابله به جامعه برخیزد. و ناچاراً در مقابل جنبش رهایی زن مجبور به عقب نشینی شده است؛ و یا در اولین اقدامات خود درب زندانهای مخوف سوریه را بی استثناء گشود، نشان دهنده تغییر اساسی در تحولات خاورمیانه است. ایشان از سر خیر خواهی شان نیست که مجبور شده اند اولین سنگر را واگذار کنند و با جنبش زنان درگیر نشوند. بلکه زیر فشار اعتراضی جامعه ناگزیر به عقب نشینی شده اند. منشا مهم آن در این شرایط نیز انقلاب زن زندگی آزادی است که دیگر جهانی شده است.

امروز برای ما کمونیستها در ایران فرصت بی نظیری فراهم شده است که از این موقعیت استفاده کرده و برای روزهای سقوط جمهوری اسلامی که نزدیک است آماده باشیم. و قاعدتاً نیرویی که خود را آلت‌ناتیو وضعیت موجود، حاکمیت اسلامی سرمایه داری می بینند به پیشواز این تحولات میرود. اما بطرز شگفت انگیزی، کسانی هستند که به نام کمونیسم کارگری و منصور حکمت هم‌نوا با کل چپ سنتی از نوع ایرانی آن، فقط در تحولات جاری ایران و منطقه رنگ سیاهی می بینند.

ظاهراً ما فقط مو می بینیم ایشان پیچش مو! بدین خاطر مردمی که در جوامعی در بطن تحولات بزرگ قرار گرفته اند را مواجه با سناریو سیاه می یابند و مخاطب

خود را اینگونه از تحولات در سوریه به وحشت می اندازند: "سرنوشت سوریه پس از اسد ابهام آمیز است. ابهام آمیز نه در مقابل سرنوشت روشن و آزادبخواهانه، بلکه بین روند شکل گیری دیکتاتوری عریان و خونین و یا سناریوی سیاه و بی دولتی و جنگ داخلی." ایشان با اشاره به شادی مردم سوریه بعد از سقوط اسد هشدار خود را اینگونه کامل میکنند: "چنین وضعیتی کوتاه میبماند و به سرعت چه با تثبیت دولت و یا ورود جامعه به جنگ داخلی و سناریوی سیاه بسته میشود."

این چپ، چپ بریده از جهان واقعی، چپی که مدام به خودش و جامعه اعلام میکند که هیچی نیست و حزبی هم شکل نگرفته و سوسیالیسم را هم در افق نمی بینند، تنها حرفی که دارد و کاری که بلد است، ایجاد دلهره و یاس است.

کمونیستها قاعدتاً همه جای این کره خاکی خود را آلت‌ناتیو وضع موجود میدانند و فلسفه وجودی شان همین است. و تحولات را نه برای ترساندن خود و دیگران بلکه برای یافتن راهی برای رهایی زیر نظر میگیرند تا نقش خود و طبقه ای که نمایندگی میکنند تحلیل کنند و بیشتر و مهمتر از تحلیل، در فکر سازماندهی مبارزات جاری هر مقطع خاصی از جامعه هستند. تحلیل را هم برای خدمت به این سازماندهی بکار میبرند. هر چند این استثنایی بر قاعده نیست، یعنی بورژوازی هم همین کار را میکند. هر نیروی جدی سیاسی همین کار را میکند. دولت حاکم هم همین کار را میکند، کارشناسان و مفسران با عناوین بسیار متنوع در خدمت سرمایه داری تحلیل را به عشق روده درازی ارائه نمی دهند بلکه راه و چاه جلو پای بورژوازی را مشخص میکنند. اما شگفت اینکه در ایران بعضاً کسانی که خود را کمونیست و چپ میدانند تحلیل را برای ایجاد هراس افکنی و کاری انجام ندادن ارائه میدهند.

به تجربه کمون پاریس و انقلاب اکتبر روسیه و همه تحولات قرن گذشته و در ایران بخصوص انقلاب سال ۵۷ کمونیستها آموختند که اولین قدم سازماندهی خودشان به شکل سازمانی و حزبی است. اما این دسته این امر مهم و حیاتی را موکول به محال کرده اند، تا شاید یک روزی طبقه کارگر به منافع طبقاتی ویژه اش که ایشان تعریف کرده اند آگاه شد و آنگاه خودش از درون خودش حزب بیرون میدهد! بزک نمیر بهار میاد... باز آن بز بیچاره که وعده بهار به او داده میشود، ایشان اما همه چیز را موکول به محال میکنند. و این را سبب افتخارشان میدانند.

اگر ما میخواهیم بطور واقعی و روی زمین سفت سیاست "شناخته احساسات گرم مردم سوریه باشیم" تنها راه واقعی و ممکن سازماندهی انقلاب جاری در ایران است. "ما کمونیستها و آزادبخواهان ایران" باید بتوانیم این انقلاب جاری را به سرانجامی که ما کمونیستها در نظر داریم برسانیم. یعنی تضمین معیشت و منزلت انسانی با اتکاء به حکومت شورایی در ایران. این ممکن و شدنی است چون تجربه دهها مبارزه نظری و عملی و حزبی پشتوانه آن است. به این پشتوانه میتوان رهبری جنبش چپ اجتماعی جاری در بطن جامعه ایران را اضافه کرد و بر زمینه سقوط جمهوری اسلامی به مردم سوریه و منطقه خاورمیانه بلکه به جهان راه برون رفت از سرمایه داری که با تمام توان در پی نابودی حیات کنونی روی کره زمین است را نشان داد.



حزب کمونیست کارگری ایران

۲۰ آذر ۱۴۰۳، ۱۰ دسامبر ۲۰۲۴

راهپیمایی ۵۰۰۰ کارگر ارکان ثالث و پالایش گاز فجر در نفت بدون ما کار شما تمام است!

امروز بیستم آذر ماه در یکی دیگر از سه شبه های اعتراضی جمعیتی پنج هزار نفره از تمامی پالایشگاههای مجتمع گاز پارس جنوبی به همراه خانواده های خود مقابل ستاد اداری این مجتمع تجمع کردند و با راهپیمایی و فریاد "حقوق عادلانه حق مسلم ماست" صحنه پرشکوهی از اعتراض آفریدند.

در این حرکت اعتراضی کارگران با شعارهایشان به حاکمیت اولتیماتوم میدادند که "این آخرین پیام است بدون ما کار شما تمام است"، و "یک کلام یک کلام، مزد بدون تبعیض والسلام".

در این تجمع خانواده های کارگران نیز شرکت داشتند. طبق گزارشات نیروهای حراست ارشد سازمان منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس در ابتدا از ورود خانوادهها جلوگیری کردند ولی با حضور هزاران نفره کارگران ناچار به عقب نشینی شدند و تجمع با قدرت برگزار شد.

حضور خانواده ها در تجمعات نقطه اتکای مهمی برای گسترش و قدرت بخشیدن به این اعتراضات و جلب حمایتهای اجتماعی است.

در این روز کارگران ارکان ثالث و پیمانکاری شرکت پالایش گاز فجر جم نیز برای دومین هفته به سه شبه های اعتراضی پیوستند و با همکاران خود در پالایشگاههای مجتمع گاز پارس جنوبی برای پیگیری مطالباتشان همصدا شدند. بدین ترتیب در این روز تمامی پالایشگاههای مجتمع گاز پارس جنوبی و پالایش گاز فجر جم در اعتصاب بودند.

اهم مطالبات اعلام شده کارگران ارکان ثالث در نفت عبارتند از: حذف شرکت های پیمانکاری، اجرای طرح طبقه بندی مشاغل و افزایش حقوقها، حق تشکل، تجمع و اعتراض، اجرای طرح اقماری، همسان سازی حقوق و دستمزد و استفاده از مزایای رفاهی و مناسبتی و ساماندهی وضعیت رانندگان و کارگران پشتیبانی شرکت پیمانکاری طرف قرارداد و...

حزب کمونیست کارگری حمایت قاطع خود را از خواستها و مبارزات کارگران نفت اعلام میکند و همه بخش های شاغل در نفت را به حمایت و پیوستن فعال به اعتراضات فرا میخواند. با اعتراضات سراسری و هماهنگ میتوان حکومت دزدان حاکم را به طور جدی عقب راند.

تحولات سوریه و ...

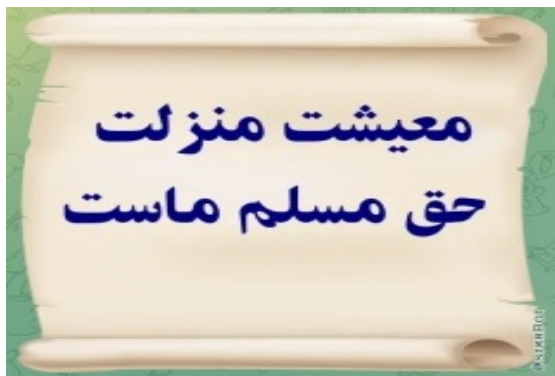
از صفحه ۵

اعتراضی جامعه را در هم بکوبند و اینگونه به مردم سوریه هم پیام بدهند که دست از پا خطا نکنند.

اما با وجود کمونیسم کارگری متحزب در ایران میتوان و باید رهبری اعتراضات انقلابی جاری را بدست گرفت. و این بیش از هر زمانی در ایران ممکن شده است. اگر واقعا کسی در ایران خود را کمونیست میدانند و نگران دست بالا پیدا کردن جریانات اسلامی از نوع القاعده در سوریه است، و واقعا نگران مواجه شدن جامعه سوریه با دور راهی "دیکتاتوری عریان و خونین و یا سناریوی سیاه و بی دولتی و جنگ داخلی" است باید تلاش و همت خود را بیش از گذشته برای سازماندهی انقلاب زن زندگی آزادی بگذارد.

تحولات سوریه در حال حاضر توان انقلاب در ایران را چندین برابر کرده است. چون تنها ابزار توجیهی جمهوری اسلامی برای بودنش حتی در نزد خود حکومتیان هم از بین رفته است. جمهوری اسلامی به سرعت در سراسر سقوت پیش میرود. اپوزیسیون راست به سبک و سیاق دوم خردادها به بهانه آمدن ترامپ در تلاش است برای بورژوازی وقت بخرد. بدین صورت که مردمی که کف خیابان هستند را به انتظار جلوس یک فاشیست لمپن میلیاردی به کاخ سفید نگه دارد. امیدشان این است که با بمب های سنگر شکن نه مثلا تاسیسات اتمی فردو، بلکه جنبش اجتماعی چپ

زنده باد انقلاب زن زندگی آزادی!



دستمزد ما در دستان ماست

حمید دائمی - کارگر کارگاهی

با نزدیک شدن به پایان سال یکی از مسائلی که همواره ذهن مزدبگیران را مشغول می کند، موضوع دستمزد مصوب از طرف دولت و ایادی سرمایه حاکم است. این موضوع از آنجهت اهمیت دارد، چرا که هستی و زندگی ما به آنچه آن را دستمزد می خوانیم وابسته است و تعیین تکلیف نهایی با آن، گامی است برای حفظ بقا و زندگی انسانی خود و وابستگان ما.

اگرچه برای ما مزدبگیران همواره زندگی دشوار بوده و بخصوص در طول عمر رژیم دزدان اسلامی، همواره تنها به اندازه بخور و نمیر دریافت کرده ایم. اما با وجود بحران های اقتصادی و در نتیجه سقوط دائمی ارزش ریال و تهاجم همه جانبه رژیم به دسترنج و سفره ما کارگران و مزدبگیران؛ دیگر حتی باندازه زنده ماندن هم دریافت نمی کنیم و حیات ما به مرحله بسیار بحرانی رسیده است. از اینرو مسئله نرخ دستمزد بسیار حیاتی و بنوعی ما را به جدال مرگ و زندگی کشانده است.

جدا از تعرض سازمان یافته هر ساله به سطح دستمزدها از سوی حکومت تحت عنوان "تعیین میزان حداقل دستمزدها" در شورایی عالی کار کذایی شان، غارت سفره ما مزدبگیران همواره از دو سو صورت می گیرد. یکبار از سوی صاحبان سرمایه با کم کردن دستمزد و یا دیر و حتی نپرداختن آن و همزمان تحمیل قیمت های گزاف و بالا بردن نرخ معیشت و مایحتاج و کالاها و خدمات اساسی - که نظارت و کنترل آن توسط ایادی دزد دولتی است و یکبار هم از طرف دولت و نهادهای وابسته با آن با گران کردن قیمت خدمات و حامل های انرژی و نیز بالا بردن مالیات و باج گیری از دستمزد مزدبگیران و تاراج دارائی جامعه که بعنوان سوبسید به جامعه باز می گشت.

در نتیجه این چرخه فقر و محرومیت؛ محصول حاکمیت سرمایه داری هار - از هر نوعش، اسلامی و غیر اسلامی - است که حداقل های زندگی را هم از آفرینندگان ثروت و رفاه دریغ می کند. مادام که غارتگران سرمایه بر قدرت باشند، سایه فلاکت بر زندگی ما حاکم است؛ اما جدال برای کسب دستمزد شایسته یک زندگی انسانی و مکفی، یکی از میدان های جنگ هر روزه ما با حاکمیت سرمایه از هر نوعش است.

امر مطالبه مزد مناسب، امری روزمره و در جریان است. در تجمعات بازنشستگان، در اعتراضات و اعتصابات نفت و گاز و پتروشیمی، پرستاران و ده ها و صدها مرکز تولیدی و خدماتی دیگر و همه به اتفاق معتقدیم "تا حق خود نگیریم، از پا نمی نشینیم".

اما اتفاقی که در اعتراضات و راهپیمایی کارکنان ارکان ثالث که به همراه خانواده هاشان در بیستم آذر ماه افتاد بسیار جالب و هیجان انگیز بود. مطرح شدن شعار "این آخرین پیام است بدون ما کار شما تمام است"، نه تنها انعکاس خواست و مطالبه صریح این عزیزان، که شمایی کلی از وضعیت رژیم و دستگاه های وابسته را نیز نشان میدهد.

در حقیقت این شعار متأثر از یک جمع بندی و نگاه دقیق از وضعیت امروز حاکمیت است که شیرازه و تار و پود قدرتش از هم پاشیده و قادر به اداره امور در هیچ زمینه ای نیست. تورم و گرانی و بازار و اقتصاد فلج، از کار افتادگی نیروگاه ها و ذخایر انرژی، از کار افتادگی باقی مانده صنایع و کارخانجات و مراکز تولیدی خرد و کلان بدلیل کمبود برق و انرژی و مواد اولیه برای تولید، شدت و تعدد دزدی و غارت اموال عمومی در روز روشن و با هر وسیله توسط ایادی ریز و درشت رژیم و به گل نشستن کشتی خامنه ای جلاد و حواریون بیت دزدان در داخل و خارج از ایران، نشانه هایی از سقوط قریب الوقوع است.

البته در دل این شعار، همچنین فراخوانی رو به کل نیروی کار در جامعه ر میتوان دید. اینکه راه پایان دادن به عمر کثیف سرمایه حاکم، اعتراضات و اعتصابات

سراسری کارگران و مزدبگیران است و اگر همه با هم تصمیم به استفاده از این قدرت خود بگیریم و دست از کار بکشیم، کار رژیم تمام است.

سویه دیگر این اولتیماتوم به دستگاه حاکم با شعار "یک کلام یک کلام، مزد بدون تبعیض والسلام"، تعریف شده است. مطالبه مزد بدون تبعیض، یعنی مزدی معادل زندگی شایسته انسان در شرایط امروز. یعنی مزدی معادل حقوق مدیران در رده ها و در منسب ها و مدارج مختلف شغلی برای تمام مزدبگیران. یعنی رفع هرگونه تبعیض در تعریف و تخصیص مزد برای همه انسان ها فارغ از نژاد، ملیت، قومیت و جنسیت و دیگر انگ های تبعیض آمیز. این شعار پلنفرم کارگر آگاهی است که خواهان پایان دادن به ظلم و تبعیض است و رفاه و امنیت شغلی و اجتماعی را برای همه مزدبگیران مطالبه می کند.

آنچه که در نتیجه رشد و اوج گیری مبارزات بخش های مختلف طبقه مزدبگیر بدست می آید اینست که اولاً "تلاشها و دست و پا زدن های رژیم برای بقا فایده ای ندارد و در نتیجه از این رژیم مرده چیزی عاید ما مزدبگیران نخواهد شد. یعنی اینکه از همین الان باید دست بکار بی اثر کردن خیمه شب بازی های همیشگی در کمیسیون ها و "شورای عالی مزد" شد. رژیم سال ها با حقه بازی و دروغگویی و با رویا فروشی، کوشیده است که بخشی از اقشار مزدبگیر را به سکوت و تحمل وادار کند. اما با ملاحظه فقر و گرانی های سرسام آور و حقوقی که بسختی به خط بقا نزدیک است - خط فقر پیشکش شان - و همچنین جامعه پر خروش کارگران و مزدبگیران و بازنشستگان، نباید فرصتی دوباره به حاکمیت دزدان برای نفس کشیدن داد و از هم اکنون دست به کار فراخوان ها به اعتراضات و اعتصابات سراسری شویم. در ثانی، با توجه به رشد بی رویه قیمت ها و محدودیت دسترسی به مایحتاج اولیه برای بقاء بیش از نیمی از جامعه ایران، و بی ارزشی لحظه ای نرخ ریال، می بایست کف مطالبات حقوق را به دلار محاسبه و مطالبه کرد. حال که رژیم در عرضه آنچه که متعلق به خود ماست - یعنی پارانه درآمد حاصل از نفت، عایدی از درآمد مالیاتی و کسب درآمد مستقیم و غیر مستقیم از فعالیت های اقتصادی در داخل و خارج - حذف سوبسید از کالاها اساسی، از انرژی و خدمات دیگر را دلاری پای مردم محاسبه میکند، جا دارد که ما هم دستمزد را به دلار مطالبه کنیم و معادل آن را مینا قرار دهیم.

امروزه برای گذران یک زندگی معمولی یک خانواده 4 نفره، حداقل هزار دلار و تقریباً تا ۱۵۰۰ دلار پول لازم است. تازه این زیر خط زندگی متمولانه است و تنها کفاف زندگی بدون دغدغه عادی را می دهد. در نتیجه نباید به کمتر از این قانع شد و با مطالبه کف دستمزد هزار دلار، درمان رایگان، تحصیل رایگان و داشتن حق مسکن به مبارزه با غارتگری سرمایه پردازیم. باید بخاطر داشت که سال هاست که "هزینه ها دلاریه، حقوق ما ریالیه".

رفقای کارگر و مزدبگیر؛ حق ما دستمزدی شایسته یک زندگی انسانی است. با



پرستو بازداشت و آزاد شد! - حمید نقوایی

"کنسرت فرضی" پرستو احمدی صدای رسای انقلاب زنانه علیه یک حکومت پوسیده و وامانده است. سرود کوبنده جنبش ضد حجاب و جنبش ضد آپارتاید جنسی؛ سرود مارش عظیم یک جامعه به پا خاسته علیه یک حکومت ضد زن.

جمهوری اسلامی پرستو و دو تن از اعضای ارکستر او را بازداشت و بعد از چند ساعت آزاد کرد. خود حکومتی‌ها هم می‌دانند بگیر و ببند تنها این مارش عظیم را کوبنده‌تر و وسیع‌تر خواهد کرد. در حالی که صفوف حکومت حول لایحه عفاف و حجاب به هم ریخته و درهم شکسته است یک زن شجاع و جوان با کنسرتش پرچم پیروزی جنبش علیه حجاب را بر می‌افزاید و با ترانه‌های شورانگیزش ممنوعیت آوازخوانی زنان و کل سیستم آپارتاید جنسیتی را در هم می‌شکند. حرکت او گام بلندی در تداوم جنبش پیروزمند علیه حجاب و علیه آپارتاید جنسیتی است.

اما فراتر از این پرستو کل حکومت پوسیده و درمانده جمهوری اسلامی را به چالش کشیده است. پرستو احمدی پرچم‌دار حرکت رؤیا حشمتی‌ها و ویدا موحدها و آهو دریایی‌ها است. حرکتی که می‌رود با پرچم زن زندگی آزادی کل نظام مفلوک جمهوری اسلامی را در هم بشکند.

حرکت جسورانه پرستو می‌تواند و باید سرآغاز موج تازه‌ای از جنبش علیه آپارتاید جنسیتی و علیه حکومت زن‌ستیز جمهوری اسلامی باشد. لغو قانون ممنوعیت آواز زنان و آزادی برگزاری کنسرت و هر بیان هنری دیگری باید به یک گفتمان و به یک خواست و شعار فراگیر در متن بیانیه‌ها و اطلاعیه‌ها و فراخوان‌ها، در دیوارنویسی‌ها و شعارهای خیابانی، در مدیای اجتماعی، و در تجمعات هر روزه بازنشستگان و کارگران و همه بخش‌های معترض جامعه تبدیل شود. کلیپ کنسرت پرستو می‌تواند

به طور پیوسته و هر روزه در مدیای اجتماعی تکثیر و تکرار شود. فراتر از آن، کلیپ آواز زنانی که کنسرت پرستو را الگو قرار داده‌اند می‌تواند به یک حرکت گسترده تبدیل بشود. هم اکنون در مدیای اجتماعی زنان جسوری کلیپ‌های آواز خود را منتشر کرده‌اند. این حرکت را تکثیر کنیم. ما می‌توانیم و باید این مصداق دیگر آپارتاید جنسیتی را مانند حجاب عملاً لغو کنیم. این به عهده هنرمندان و موزیسین‌ها و خوانندگان زن است که قدم جلو بگذارند، کنسرت‌های بی‌حجاب خود را برگزار کنند و حرکت شجاعانه پرستو را تکرار کنند. آوازخواندن و کنسرت زنان نیز مانند بی‌حجابی می‌تواند به یک حرکت گسترده اجتماعی تبدیل بشود. بر سر حکم ممنوعیت آواز زنان می‌توانیم همان بلایی را بیاوریم که بر سر حجاب اجباری و لایحه شکست خورده حجاب و عفاف آورده‌ایم.

حکومت ورشکسته جمهوری اسلامی در ضعیف‌ترین و درمانده‌ترین موقعیتش در ایران و در منطقه قرار گرفته است. در این شرایط انفجاری حرکت جسورانه آهو و پرستو نوید تعرض قدرتمند انقلاب زن زندگی آزادی به حکومت در حال سقوط زن‌ستیزان حاکم است. این حرکت را زنده نگهداریم و ادامه دهیم. پیروزی از آن ماست! (مندرج در ژورنال شماره ۹۱۳)

سه شنبه ۲۰ آذر: تجمع بازنشستگان کشوری در تهران

امروز بیستم آذر ماه بازنشستگان کشوری در اعتراض به سطح نازل حقوقها و جرایم شدن کامل رتبه بندی و همسان سازی و بی پاسخ ماندن مطالبات خود، در تهران در مقابل صندوق سازمان برنامه و بودجه تجمع کردند.

این بازنشستگان با فریاد شعارهای خود و بنرهایی که بر دست داشتند، خواستها و اعتراضاتشان را بیان میکردند. بازنشستگان از جمله شعار میدادند: "نه گرما، نه سرما، نیست جلودار ما"، "همش وعده شنیدیم عدالتی ندیدیم"، "وعده هاتون عالیه جای عمل خالیه"، "همسان سازی سریعاً اجرا باید گردد".

اعتراض بخش‌های مختلف بازنشستگان به فقر و بی‌تامینی، اختلاسها و دزدیها، تبعیض و نابرابری و بساط سرکوبگری‌های حکومت است. افزایش فوری حقوقها و



بیمه درمانی رایگان دو خواست فوری بازنشستگان است. بازنشستگان صدای اعتراض کل جامعه هستند. از خواستها و مبارزاتشان حمایت کنیم.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۰ آذر ۱۴۰۳، ۱۰ دسامبر ۲۰۲۴

سرنوینی رژیم دزدان اسلامی دست یافت. قدرت مان را دست کم نگیریم. با اتحاد و همصدایی سراسری، هم می‌توان به حقوق متناسب با یک زندگی انسان دست یافت و هم به عمر ننگین حاکمیت سرمایه پایان داد. انتخاب در دستان ماست. با انتخاب آنچه می‌توانیم، اختیار زندگی خویش را در دست بگیریم.

زنده باد اعتراضات و اعتصابات سراسری
زنده باد انقلاب زن زندگی آزادی

از صفحه ۷

دستمزد ما در دستان ماست...

سازماندهی اعتراضات مان و دعوت و فراخوان از همقطاران مان برای حمایت از این خواسته حداقل، ورق زندگی را برگردانیم و یکبار برای همیشه از ننگ وجود حاکمیت دزدسالار خلاص شویم. ما و خانواده‌ها مان تنها یک بار زندگی می‌کنیم و با مطالبه دستمزد و رفاه انسانی، زندگی شایسته خود و دیگران را ایجاد کنیم.

با وجود از هم پاشیدگی رژیم و بی‌در و پیکیری سیستم؛ جا برای تعرض آخر ما فراهم است. با سازماندهی اعتراضات و اعتصابات در فضای رزمنده و مطالبه‌گر حال حاضر جامعه، می‌توان به حق پایه‌ای هر انسان یعنی برابری و آزادی با

کارگران در هفته ای که گذشت - تنظیم کننده کارگر کمونیست



دوشنبه ۲۵ آذر:

-بازنشستگان مخابرات مثل هفته های قبل علیه فقر و بی تامینی و اختلاسگری های حاکم تجمعات سراسری خود را بر پا کرده و پیگیر مطالباتشان شدند.

-کارگران جوشکار شاغل در پالایشگاه تهران در اعتراض به پرداخت نشدن حقوقشان در چهار ماه اخیر دست از کار کشیده و اعتصاب کردند.

یکشنبه ۲۵ آذر:

-جمعیتی از کارگران ارکان ثالث در شرکت نفت فلات قاره بهرگان در اعتراض به بدتر شدن هر روزه وضعیت معیشتی و قدرت خرید خود و برای پیگیری مطالباتشان تجمع کردند

-بازنشستگان تامین اجتماعی در مقابل این سازمان در تهران و بازنشستگان فولاد در اصفهان در اعتراض به سطح نازل حقوقها، اختلاسها و دزدی ها و پایین بودن کیفیت برنامه های رفاهی و درمانی و بی تامین خود مقابل صندوق بازنشستگی فولاد دست به تجمع زدند.

شنبه ۲۴ آذر:

- کشاورزان در اردکان در اعتراض به قطعی برق چاه های آب و مشکلات معیشتی خود مقابل فرمانداری شهرستان تجمع کردند.

- چهار عضو انجمن صنفی معلمان کردستان، امید شاهمحمدی، پرویز احسنی، کاوه محمدزاده و هیوا قریشی توسط هیأت بدوی رسیدگی به تخلفات اداری به انفصال دائم، اخراج و تبعید محکوم شدند. همچنین حکم اخراج لیلا سلیمی، از معلمان معترض در کردستان که پیشتر توسط این هیأت صادر شده بود در هیأت تجدید نظر تخلفات اداری به ۲ ماه انفصال از خدمت تبدیل شد. بر اساس حکم صادره، امید شاهمحمدی به "انفصال دائم از خدمات دولتی و دستگاههای مشمول این قانون"، هیوا قریشی و کاوه محمدزاده به اخراج از کار و پرویز احسنی به پنج سال تبعید به مدارس قروه محکوم شده‌اند.

امید شاهمحمدی، پرویز احسنی، کاوه محمدزاده و هیوا قریشی ۲۵ خرداد ۱۴۰۱ به دلیل فعالیت‌های صنفی و شرکت در تحصن اعتراضی معلمان توسط نیروهای امنیتی در منزل خانوادگی‌شان در شهر دیواندره بازداشت شده بودند.

- محمد حسن پوره، از فعالین معلم که پیش‌تر بازداشت شده و به حکم صادره اعتراض کرده بود، بار دیگر در شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب حاضر و از خود دفاع کرد. طبق حکم بدوی صادره از این شعبه، وی به اتهام اجتماع و تبانی به سه سال و هفت ماه حبس محکوم شده است که یک سوم آن اجرایی میشود و مابقی تعلیقی است. همچنین بابت اتهام تبلیغ علیه نظام به هشت ماه حبس دیگر محکوم شده است.

این حکم به دلیل عدم دسترسی به سامانه "سنا"، به صورت شفاهی به محمد حسن پوره اطلاع داده شده و تاکنون نسخه کتبی آن به وی ابلاغ نشده است. بعلاوه اینکه حساب حقوقی محمد حسن پوره که شش ماه پیش مسدود شده، همچنان رفع مسدود نشده است و این موضوع فشار سنگینی را بر خانواده او وارد کرده است.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران ضمن اعتراض به این حکم و ادامه محدودیت‌ها، بار دیگر بر حقانیت فعالیت‌های حق طلبانه و مطالبه‌گری معلمان تأکید کرده و خواستار توقف فشارهای قضایی و امنیتی علیه فعالان صنفی شد.

جمعه ۲۳ آذر:

- کارگران کارخانه روغن نباتی فریکو سیرجان در اعتراض به مشکلات معیشتی و شغلی خود و مشخص نبودن وضعیت کارخانه و مطالبات معوقه شان دست به اعتراض زدند.

پنجشنبه ۲۲ آذر:

- محیط های کار هر روز قربانی میگردد. بنا بر گزارشات منتشر شده بدلیل عدم ایمنی محیط های کار طی شش ماه ۷۳۰ کارگر جان باختند.

چهارشنبه ۲۱ آذر:

- جمعیتی از معلمان بازنشسته ۱۴۰۲ در اعتراض بدتر شدن هر روزه وضع معیشتی خود و پاسخ نگرفتن مطالباتشان مقابل مقر ریاست جمهوری اسلامی تجمع کردند و با فریاد شعارها پشان صدای اعتراضشان را بلند کردند.

- نیروهای آتش نشانی اهواز در اعتراض به سطح نازل حقوقها و تاخیر در پرداخت آنها در برابر ساختمان مرکزی شهرداری اهواز تجمع کردند.

- علی‌رغم برودت و سردی هوا، کارگران خدمات شهری شهرداری ایلام در اعتراض به عدم پرداخت ۶ ماه حقوق و ۱۰ ماه بیمه و با خواست پرداخت فوری طلبهایشان و نیز تعیین تکلیف وضعیت شغلی خود در برابر ساختمان مرکزی شهرداری تجمع کردند.

- در نتیجه تیراندازی سرکوبگران جنایتکار جمهوری اسلامی در مناطق مرزی شهرستان پیرانشهر یک کولبر به اسم "عبدالله معروفی" از ناحیه شکم، پا و دست زخمی شد. کولبران بخشی از کارگران بیکار هستند که ناگزیر به این کاذب و مشقت بار اشتغال دارند و به جای بیمه بیکاری و برخورداری از هرگونه تامینی گلوله نصیبشان میشود و سالانه ده ها تن در مواجهه با خطرات طبیعی و یا در پی شلیک نیروهای مرزبانی کشته و یا زخمی می شوند.

- بازنشستگان صنعت نفت اهواز در اعتراض به وضع بد معیشتی و دزدی ها و اختلاس ها و دست اندازی به صندوق بازنشستگی نفت تجمع کردند.

- در نتیجه تیراندازی سرکوبگران جمهوری اسلامی یک کولبر در مرز نوسود به نام مصعب سبزواری بشدت زخمی و در پی آن در بخش آی سی یو بیمارستان طالقانی بستری شد. طبق گزارشات در حال حاضر وضعیت مصعب سبزواری چندان مناسب نیست و هوشیاری پایینی دارد.

سه شنبه ۲۰ آذر: - بازنشستگان کشوری در اعتراض به سطح نازل حقوقها و جرا



تجمعات معلمان بازنشسته ۱۴۰۲، کارگران آتش نشانی در اهواز و دو خبر دیگر

و تاخیر در پرداخت آنها در برابر ساختمان مرکزی شهرداری اهواز تجمع کردند. کارگران معترض با شعار "شهردار بیا اینجا" خواستار پاسخگویی مسئولین در جمع خود شدند.

خبر اعتراضی دیگر در این روز مربوط به تجمع کارگران خدمات شهری شهرداری ایلام است که بخاطر عدم پرداخت ۶ ماه حقوق و ۱۰ ماه بیمه دست به اعتراض زدند. در روز گذشته بیستم آذر ماه نیز کارگران کارخانه روغن خوراکی فریکو در اعتراض به عدم پرداخت ۵ ماه حقوق و بیمه مقابل فرمانداری سیرجان تجمع داشتند. سطح نازل حقوقها و دستمزدهای پرداخت نشده موضوعات اعتراضات سراسری کارگری است.

روز گذشته یک روز اعتراض عظیم و گسترده در نفت بود و پنج هزار کارگر ارکان ثالث و سیصد نفر از کارگران پالایش گاز فجر دست به اعتصاب و تجمع زدند. در این روز کارگران نفت و گاز در سکوهای دریایی پارس جنوبی و بخش خشکی نیز تجمع داشتند. افزایش حقوقها، پرداخت معوقات، کوتاه شدن دست پیمانکاران و ایمن شدن محیط های کار خواستهایی سراسری در نفت است.

حزب کمونیست کارگری ایران—۲۱ آذر ۱۴۰۳، ۱۱ دسامبر ۲۰۲۴

اسماعیل گرامی کارگر بازنشسته زندانی دیدار کردند. این دیدارها شکلی از همبستگی مبارزاتی با زندانیان سیاسی و گوشه هایی از جنبش برای آزادی زندانیان سیاسی است. اسماعیل گرامی از ۲۱ مرداد با یک سال حکم در زندان اوین بسر میرد.

- نیروهای آتش نشانی اهواز در اعتراض به تاخیر در پرداخت حقوق ها در برابر ساختمان مرکزی شهرداری اهواز تجمع کردند.

- در راستای بازسازی ارکان شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران، مجمع عمومی خود را در روزها هفدهم تا نوزدهم آذرماه با حضور نمایندگان تشکل های عضو برگزار کردند. در این نشست که در شش نوبت و سی ساعت به طول کشید ارکان شورای هماهنگی شامل: دبیرخانه، بازرسان، هیات مدیره و اعضای کارگروه ها انتخاب شدند. زنده باد شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران. گفتنی است که تشکلهای مختلف معلمان در شهرهای دیگر نیز در همین مدت با تشکیل مجمع عمومی بر تشکل خود قوام بخشیدند.

معلمان یک بخش سازمان یافته جامعه هستند و برگزاری مجمع عمومی قدمی دیگر در راستای تقویت بنیان های تشکل های مستقل معلمان و اتکای آن به دخالتگری بدنه آن است. در سال های اخیر موانع اداری و عدم صدور مجوزهای لازم، مانعی جدی در مسیر توسعه این فعالیت ها بوده است. علیرغم این معلمان همواره در حفظ تشکلهای خود تلاش کرده و برای آن هزینه داده اند. از تجارب معلمان باید آموخت.

دوشنبه ۱۹ آذر:

- بازنشستگان مخابرات در شهرهای اصفهان، شیراز، تبریز، تهران، زنجان، کرمانشاه، ساری، بیجار، سنندج، ارومیه، همدان، اهواز تجمع و پیگیر مطالباتشان شدند.

- جمعیت کثیری از بازنشستگان معلم ۱۴۰۰ از نقاط مختلف کشور در اعتراض به سطح نازل حقوقها و با خواست اجرایی شدن رتبه بندی و پرداخت مطالبات معوقه خود مقابل مجلس اسلامی تجمع و راهپیمایی کردند.

روز ۲۱ آذر جمعیتی از معلمان بازنشسته ۱۴۰۲ در اعتراض به پاسخ نگرقتن مطالباتشان مقابل مقر ریاست جمهوری اسلامی تجمع کردند و با فریاد شعارها صدای اعتراضشان را بلند کردند. از بیستم آبانماه تا کنون این هفتمین تجمع اعتراضی بازنشستگان فرهنگی ۱۴۰۲ بر سر این موضوع است و در این روز علیرغم آلودگی شدید هوای تهران که بویژه برای بازنشستگان خطر آفرین است، جمعیت قابل توجهی گرد آمده بودند و حضور زنان چشمگیر بود. در هنگام تجمع نیروی انتظامی بسیاری در محل مستقر شده بودند. اما بازنشستگان بدون توجه به آنها به اعتراض خود ادامه دادند.

اعتراض این بازنشستگان به بدتر شدن وضع معیشتی و تاخیر بیش از ۱۵ ماهه در پرداخت مطالبات خود از جمله پاداش بازنشستگی که هنوز ۶۰ درصد از آن پرداخت نشده و روند کم ارزش شدن پول رسمی و در نتیجه کاهش ارزش ریالی پاداش است. بازنشستگان شعار میدادند "یک اختلاس کم بشه، مشکل ما حل میشه"، "دشمن بازنشسته، دولت ورشکسته"، "جای مردان سیاست بنشینیم درخت تا هوا تازه شود"، "امروز و فردا نکن، حق ما را ادا کن"، "خواهان پاداش هستیم، از کل کشور هستیم"، "کشور پردرآمد، چه بر سر تو آمد؟"، "وزیر خیانت کرده، دولت حمایت کرده"، و "کارگر زندانی آزاد باید گردد معلم زندانی آزاد باید گردد".

در این روز همچنین نیروهای آتش نشانی اهواز در اعتراض به سطح نازل حقوقها

کارگران در هفته ای که گذشت...

از صفحه ۹

نشدن کامل رتبه بندی و همسان سازی و بی پاسخ ماندن مطالبات خود، در تهران در مقابل صندوق سازمان برنامه و بودجه تجمع کردند.

- جمعیتی ۵ هزار نفره از تمامی پالایشگاههای مجتمع گاز پارس جنوبی به همراه خانواده های خود مقابل ستاد اداری این مجتمع تجمع کردند و با راهپیمایی و فریاد "حقوق عادلانه حق مسلم ماست" صحنه پرشکوهی از اعتراض آفریدند. در این حرکت اعتراضی کارگران با شعارهایشان به حاکمیت اولتیماتوم میدادند که "این آخرین پیام است بدون ما کار شما تمام است"، و "یک کلام یک کلام، مزد بدون تبعیض والسلام".

- کارگران ارکان ثالث و پیمانکاری شرکت پالایش گاز فجر جم برای دومین هفته به سه شبه های اعتراضی پیوستند و با همکاران خود در پالایشگاههای مجتمع گاز پارس جنوبی برای پیگیری مطالباتشان همصدا شدند.

- کارگران نفت و گاز در سکوهای دریایی پارس جنوبی و بخش خشکی نیز تجمع داشتند. افزایش حقوقها، پرداخت معوقات، کوتاه شدن دست پیمانکاران و ایمن شدن محیط های کار خواستهایی سراسری در نفت است.

- کارگران کارخانه روغن خوراکی فریکو در اعتراض به عدم پرداخت ۵ ماه حقوق و بیمه مقابل فرمانداری سیرجان تجمع داشتند.

- تصادف یک خودرو و وانت بار دو کابین حامل کارگران پیمانکاری معدن چادرملو با یک تریلی در یزد منجر به مرگ ۵ نفر شد. جانباختن این عزیزان را به خانواده هایشان و به همگان تسلیت میگوییم. این تصادف در ۲۰ کیلومتری دوراهی چادر ملو به سمت معدن چادرملو رخ داد. بدینگونه جاده های ناامن با خودروهای اسقاطی هر روزه قربانی میگرد.

- جمعی از فعالین کارگری و بازنشستگان تامین اجتماعی و کشوری با خانواده



از خوزستان خبر می‌رسد؟

۱۶ تا ۲۳ آذر ۱۴۰۳



کمیته سازمانده - واحد خوزستان
حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-Communist Party of Iran

اخبار هفته: واحد خوزستان کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری

جمعه ۲۳ آذر

- هوای ۱۳ شهر خوزستان در وضعیت قرمز اعلام شد. بنا به اظهارات مدیر مراکز درمانی دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور در روز گذشته در پی آلودگی هوا در چند روز اخیر، ۳ هزار و ۳۵۴ نفر با مشکل تنفسی و قلبی، به بیمارستان‌های تابعه دانشگاه مراجعه کرده‌اند و استمرار آلودگی هوا، رشد ۲۵ درصدی مراجعه بیماران با مشکلات تنفسی و قلبی به مراکز درمانی را همراه داشته است.

پنجشنبه ۲۲ آذر

- سرانجام بدنال کارزاری قدرتمند جهانی حکم اعدام عباس (مجاهد) کورکور (کورکوری)، زندانی سیاسی در زندان شیپان اهواز، توسط دیوان عالی کشور نقض و پرونده نامبرده، برای رسیدگی مجدد به شعبه هم‌عرض ارجاع داده شد. این موفقیت را به مجاهد کورکور، خانواده اش، و همه کسانی که برای نجات جان او تلاش کردند تبریک می‌گوییم. لغو حکم اعدام مجاهد کورکور، جنبش علیه اعدام را گامی دیگر به جلو برد. مجاهد کورکور باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شود و تمامی احکام اعدام لغو و به مجازات اعدام پایان داده شود.

مجاهد کورکور، اواخر فروردین ماه سال گذشته، از بابت اتهاماتی نظیر "محرابه و افساد فی الارض" توسط شعبه اول دادگاه انقلاب اهواز به اعدام محکوم شده بود. و بعد در دیماه ۱۴۰۲، حکم وی توسط دیوان عالی کشور تایید و پرونده وی به شعبه اجرای احکام دادگاه ایزه ارجاع داده شده بود. او که از تاریخ ۲۹ آذر ۱۴۰۱ در یکی از سلول‌های انفرادی زندان شیپان اهواز نگهداری میشد، از اواسط مردادماه به بند هشت این زندان منتقل شده است.

قوه قضاییه ادعا کرده بود که عباس کورکور در قتل کیان پیرفلک، کودک جان‌باخته در انقلاب زن زندگی آزادی دست داشته است، اما خانواده پیرفلک این ادعا را رد کرده و مادر کیان اعلام کرد که، "هنگام بازگشت به خانه، ماموران به خودروی ما تیراندازی کردند."

جنایتکاران جمهوری اسلامی مجاهد کورکور را به اتهاماتی مانند، اخلاص در نظم عمومی و ایراد خسارت عمد به تمامیت جسمانی منجر به مرگ هفت نفر، از جمله کیان پیرفلک، آسیب‌های جدی به اموال عمومی و خصوصی، تشکیل گروه‌های مخالف نظام و عضویت در آنها، از طریق قیام مسلحانه علیه جمهوری اسلامی متهم کردند.

- نیروهای آتش‌نشانی اهواز در اعتراض به سطح نازل حقوقها و تاخیر در پرداخت آنها در برابر ساختمان مرکزی شهرداری اهواز تجمع کردند. کارگران معترض با شعار "شهردار بیا اینجا" و فریاد "شهردار بی لیاقت نمی‌خوایم، نمی‌خوایم" خواستار پاسخگویی مسئولین در جمع خود شدند.

سه شنبه ۲۰ آذر

- پنج زندانی سیاسی اهل ایزه بیش از ۴۷۰ روز است که در بازداشت و بلا تکلیفی

در زندان شیپان اهواز بسر می‌برند. این زندانی سیاسی عبارتند از: فرشید کاظمی، رضا کریم نژاد، مازیار نکویی، اشکان محمدی و رامین محمدی. اتهامات مطروحه علیه آنها تبلیغ علیه نظام و اقدام علیه امنیت ملی بوده است.

ماموران امنیتی، رامین محمدی را در ۱۲ مرداد ۱۴۰۲، رضا کریم نژاد، ساکن اصفهان را در ۲۲ مرداد ۱۴۰۲، اشکان محمدی ساکن اهواز و مازیار نکویی ساکن اصفهان را در اواخر مرداد و فرشید کاظمی را در ۳۱ مردادماه ۱۴۰۲، بازداشت نموده بودند. این زندانیان، در اواخر مهرماه ۱۴۰۳، در اعتراض به بلا تکلیفی و اجرا نشدن وعده مسئولین، مبنی بر آزاد شدن آنها برای بار دوم اقدام به اعتصاب غذا کردند. مقامات زندان شیپان به جای پاسخ دادن، آنها را به سلول انفرادی منتقل کردند.

- در چهل و ششمین هفته کارزار "سه‌شنبه‌های نه به اعدام" زندانیان سیاسی و عقیدتی در بیش از ۲۵ زندان کشور دست به اعتصاب غذا زده‌اند. زندانیان شیپان اهواز نیز در این کارزار شرکت دارند.

- بر اساس پیش بینی هواشناسی مبنی بر، پایداری هوا و تجمع آلاینده‌های جوی، دبیر کارگروه اضطراری آلودگی هوای خوزستان، فعالیت مدارس تمامی مقاطع تحصیلی شهرستان‌های اهواز، حمیدیه، باوی، کارون و رامهرمز در نوبت عصر، به صورت غیرحضور اعلام کرد. آلودگی هوا زندگی و معیشت مردم را در بسیاری از شهرها بویژه در شهرهای خوزستان مختل کرده است.

دوشنبه ۱۹ آذر

- بازنشستگان مخابرات در یکی دیگر از دوشنبه‌های اعتراضی سراسری خود در اهواز تجمع کرده و پیگیر مطالباتشان شدند.

- با کمال تأسف رضا بهرامی فرد، اهل دزفول که پیشتر در یک نزاع مرتکب قتل شده بود، پس از بازداشت، توسط مرجع قضایی به اعدام محکوم شد. سحرگاه این روز در زندان دزفول اعدام شد. اعدام قتل عمد حکومتی است. و هم اکنون جنبشی قدرتمند علیه اعدامها در ایران جاریست که با خواست توقف اعدامها تحت هر عنوان، لغو مجازات اعدام، این شکل شنیع مجازات و لغو تمامی احکام اعدام ابعادی جهانی دارد..

- رضا حزباوی، شاعر اهوازی، ۳۶ ساله، روز دوشنبه ۱۹ آذرماه توسط نیروهای امنیتی در منزل خود واقع در محله مجد کوت عبدالله اهواز بازداشت و به مکانی نامعلوم منتقل شد. حزباوی، که پیش از این نیز چندین بار به دلایل نامشخص توسط نهادهای امنیتی بازداشت شده بود، در یکی از موارد پیشین تحت شکنجه‌های شدید در سلول‌های انفرادی اطلاعات اهواز قرار گرفت. این شکنجه‌ها به آسیب دیدگی

دیدار همبستگی با خانواده اسماعیل گرامی کارگر زندانی



روز ۲۰ آذر جمعی از فعالین کارگری و بازنشستگان تامین اجتماعی و کشوری با خانواده‌ی اسماعیل گرامی کارگر بازنشسته زندانی دیدار کردند. اسماعیل گرامی یک کارگر بازنشسته است و از ۲۱ مرداد تا کنون در زندان اوین دوره‌ی محکومیت حبس یک ساله را می‌گذراند. دیدار با خانواده اسماعیل گرامی یک نمونه ارج گذاشتن به کارگران زندانی و زندانیان در بند است. این اقدام حرکتی در راستای جنبش برای آزادی زندانیان سیاسی است. اقداماتی از این دست را میتوان وسیعا تکثیر کرد.

تجمع بازنشستگان نفت در اهواز



روز ۲۱ آذر بازنشستگان صنعت نفت بار دیگر مقابل صندوق بازنشستگی در اعتراض به دستمزدهای پایین و تنگنای معیشتی و سایر مطالباتشان در شهر اهواز تجمع کردند. یک خواست فوری این بازنشستگان لغو اساسنامه هیات دولت برای صندوق های بازنشستگی و دزدی های حاکم و دست درازی به صندوق بازنشستگی است.

از خوزستان چه خبر ...

از صفحه ۱۱

هوا هستند به مردم گفته شده که از ورزش در هوای آزاد خودداری کنند و این همه تمهیدات حکومت در مقابله با خطرات زیست محیطی و هوای ناسالم در قبال مردم است.

تخریب محیط زیست، بخشی از جنایت سرمایه داری است که در ایران شکل فاجعه باری بخود گرفته است و از مردم قربانی میگیرد و به زندگی و معیشت کل جامعه آسیب فراوان میرساند. آلودگی هوا و بی آبی همواره از جمله موضوعات حاد اعتراضی در خوزستان بوده است.

- هومان الماسی، زندانی سیاسی بیش از ۱۹ ماه است که بدون محاکمه و تعیین تکلیف قضایی در زندان شیپان اهواز در بازداشت به سر می‌برد. هومان در تاریخ ۲۸ مهرماه در اعتراض به بازداشت خود و بلا تکلیفی بیش از یک سال خود در زندان، دست به اعتصاب زده بود که پس از این اقدام، به سلول انفرادی منتقل شد. او مدتی بعد با وعده مسئولان به اعتصابش پایان داد و به بند عمومی بازگردانده شد. طبق گزارشات، هومان الماسی که به بیماری کلیوی مبتلاست، از رسیدگی تخصصی پزشکی و اعزام به مراکز درمانی خارج از زندان محروم مانده است. محرومیت از دارو و درمان بخشی از شکنجه های سیستماتیک حکومت در زندانهاست.

هومان الماسی فروردین ماه ۱۴۰۲، توسط ماموران حکومتی بازداشت و به بازداشتگاه اداره اطلاعات اهواز منتقل شد و بعد از دو ماه با اتمام مراحل بازجویی به زندان شیپان اعزام گردید.

واحد خوزستان - کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری

۲۳ آذر ۱۴۰۳، ۱۳ دسامبر ۲۰۲۴

جدی وی منجر شد و پس از آزادی، نیاز به عمل جراحی فوری طحال داشت.

یکشنبه ۱۸ آذر

- بازنشستگان تامین اجتماعی و فولاد در اعتراض به مشکلات معیشتی و بی پاسخ ماندن خواسته‌هایشان در شهرهای مختلفی تجمع کردند. از جمله این بازنشستگان شوش و شهرهای کرخه و کارون گرد آمده بودند

شنبه ۱۷ آذر

- معاون درمان دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز، از مراجعه حدود ۷۰۰ بیمار با علائم تنفسی و قلبی به بیمارستان‌های تابعه دانشگاه در ۲۴ ساعت گذشته، به دلیل افزایش آلودگی هوا خبر داد. سهم مردم از زندگی، فقر، بی‌تامینی و حتی محروم بودن از هوای سالم بخاطر آلوده شدن هواست. اعتراض به تخریب محیط زیست و آلودگی هوا یک موضوع اعتراضات مردمی است.

جمعه ۱۶ آذر

- میثم معزی، معاون درمان دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز، با اشاره به افزایش میزان آلودگی هوا در طول ۲۴ ساعت گذشته گفته است: "حدود ۷۰۰ بیمار با علائم تنفسی و قلبی به بیمارستان‌های تابعه دانشگاه مراجعه کردند". معزی به مردم هشدار داد که در روزهای آلوده از خانه خارج نشوند، بویژه زنان باردار، کودکان، بیماران قلبی و عروقی، افراد دچار نقص ایمنی، بیماران با فشار خون بالا و بیماران مزمن تنفسی. در این شهر و بسیاری از شهرهای دیگر که آنها نیز دچار آلودگی شدید

یوتل‌ست

فرکانس ۱۱۳۸۷

افقی ۲۷۵۰۰

ترکمن عالم

(جهت یاهست)

فرکانس ۱۰۸۴۵

عمودی ۲۷۵۰۰

اف ای سی ۲/۳

مشخصات فنی تلویزیون

کانال جدید

KANAL JADID
کانال جدید

تجمع اعتراضی کارگران ارکان ثالث در بهرگان

کارگران ارکان ثالث در تدارک تجمعات سراسری سه شنبه های اعتراضی



های پیمانکاری تامین نیرو، برقراری نظام عادلانه در پرداخت حقوق، پاداش و مزایا در برابر کار یکسان، اصلاح طرح طبقه بندی مشاغل و افزایش سطح حقوقها، و اصلاح طرح مالیات. شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت نیز از اعتراضات و خواستههای همکاران ارکان ثالث حمایت و پشتیبانی خود را اعلام کرده است.

حزب کمونیست کارگری از خواستهها و مبارزات کارگران نفت حمایت میکنند و همه بخشهای کارگران و مردم را به حمایت از اعتراضات این کارگران فرا میخواند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۵ آذر ۱۴۰۳، ۱۵ دسامبر ۲۰۲۴

امروز یکشنبه ۲۵ آذر جمعیتی از کارگران ارکان ثالث در شرکت نفت فلات قاره بهرگان در اعتراض به بدتر شدن هر روزه وضعیت معیشتی و قدرت خرید خود و برای پیگیری مطالباتشان تجمع کردند و در سخنرانی هایشان در مورد مشکلات معیشتی بر ادامه اعتراضاتشان تاکید نمودند. اعتراضات کارگران ارکان ثالث هر روز گسترده میشود و این کارگران سه شنبه ها را به روز اعتراض هفتگی خود تبدیل کرده اند. طبق گزارشات منتشر شده از سوی شورای سازماندهی اعتراضات کارگران غیر رسمی نفت (ارکان ثالث) کارگران ارکان ثالث و پشتیبانی شرکت های پیمانکاری در ادامه اعتراضات خود و تجمعات چند هزار نفره هفته گذشته شان، در تدارک سازماندهی اعتراضات همزمان در سراسر کشور هستند.

اهم مطالبات این کارگران عبارتند از: تبدیل وضعیت و با مطالبه حذف شرکت

تجمعات بازنشستگان تامین اجتماعی در تهران فولاد در اصفهان و اخباری دیگر



شدت داده است.

آخرین خبر مربوط به تجمع کارگران منطقه ویژه اقتصادی لامرد است که در اعتراض به سطح نازل دستمزدها و عدم پاسخگویی به مطالباتشان در برابر فرمانداری تجمع کردند. در این روز در ایلام نیز کارگران شهرداری در اعتراض به پرداخت نشدن چند ماه حقوق و دیگر مطالباتشان مقابل استانداری تجمع داشتند.

آخر سال است و موضوع دستمزدهای پرداخت نشده و خواست افزایش دستمزدها به موضوع اعتراضات مراکز مختلف کارگری تبدیل شده است. این اعتراضات در کنار اعتراضات گسترده در نفت و تجمعات متوالی بازنشستگان آنها در متن پر تلاطم اعتراضی جامعه، سیر حرکت اعتراضات بسوی سراسری تر شدن را نشان میدهد. حمایت بخش های مختلف کارگری از مبارزات یکدیگر گامی مهم در تقویت و گسترش اعتراضات است.

حزب کمونیست کارگری ایران - ۲۵ آذر ۱۴۰۳، ۱۵ دسامبر ۲۰۲۴

بازنشستگان تامین اجتماعی امروز ۲۵ آذر در مقابل این سازمان در تهران تجمع و اعتراض کردند. همچنین بازنشستگان فولاد در اصفهان مقابل صندوق بازنشستگی فولاد در اعتراض به سطح نازل حقوقها، اختلاسها و دزدی ها و پایین بودن کیفیت برنامه های رفاهی و درمانی و بی تامین خود دست به تجمع زدند.

در این تجمعات بازنشستگان با شعارهایی همچون "ظلم، ستم، رذالت! اوای به این وزارت!" و "یک اختلاس رو کم کنید، مشکل ما را حل کنید" بساط چپاول و فلاکت حاکم را به چالش کشیدند.

اهم مطالبات بازنشستگان فولاد عبارتند از: تامین منابع برای همسانسازی و اجرای دائمی آن، خدمات با کیفیت در حوزه درمانی و رفاهی، افزایش دستمزدها و سایر مطالبات معوقه.

اجرای همسانسازی و افزایش حقوقها به بالای سبد معیشتی و درمان رایگان و آزادی کارگران زندانی و پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات و آزادی کارگران زندانی از جمله خواستههای سراسری ای است که بازنشستگان همواره در اعتراضاتشان بر آن ها تاکید کرده اند.

خبر اعتراضی دیگر مربوط به افراد دارای معلولیت است. در روز گذشته سازمان بهزیستی تهران در تماسی با معلولان پذیرفته شده در آزمون استخدامی از آنها خواسته بود که امروز بیست و پنجم آذر ماه به اداره بهزیستی مراجعه کنند. اما در هشت صبح این روز وقتی معلولان به بهزیستی مراجعه کردند در هوای آلوده و سرد تهران با درهای بسته آن روبرو شدند و خشم آنها شدت یافت. افراد دارای معلولیت تجمعات بسیاری بر سر مطالباتشان داشتند و اتفاق امروز به خشم اعتراضی آنها

پیش بسوی اعتصابات سراسری!

قانون حجاب و عفاف، تجاوز آشکار به حقوق زنان و سلاحی دیگر برای سرکوب جنبش مترقی آنان است!

ذهنیت بشدت بیمار گونه طراحان این قانون ننگین و اسارت بار، در بند بند آن خود را نشان می دهد. آزادی پوشش زنان را که حق مسلم آنان است، توطئه سفارش شده از سوی مخالفان نظام در خارج از کشور و یا قدرت های خارجی قلمداد می کند. تصویب لایحه عفاف و حجاب با هدف «قانونی کردن وحشیانه ترین جنگ سراسری سازمان یافته حاکمیت و ارگان های سرکوب آن علیه زنان برای تحمیل حجاب به قیمت اعدام، زندان و جرایم سنگین نقدی و بستن راه هرگونه حمایت اجتماعی مردان و آحاد مردم از آزادی پوشش زنان با سیستم چند لایه مجازات ها تنظیم شده است. هدف دیگر تصویب و ابلاغ این قانون، تأکید و اصرار بر تغییر ناپذیر بودن رویکرد خشن و زن ستیز مرد سالارانه حاکمیت سرمایه داری - اسلامی نسبت به آزادی پوشش زنان به رغم هر حرکت اعتراضی و جنبش عمومی زنان برای حق آزادی و برابری است.

جمهوری اسلامی با سرکوب خشن و یا قانونی کردن تعرض به زنان تلاش می کند مردم زحمتکش و به ویژه زنان آگاه و جسور و حق طلب را برای اطاعت از بردگی وادار کند. اما تاریخ سرتاسر افتخار آمیز و خستگی ناپذیر جنبش زنان به رغم روش های متفاوت سرکوب علیه آزادی و برابری، عرصه های مختلفی برای کسب آزادی و حق حیات خود را برگزیده است، هرگز تسلیم قانونی که ابتدائی ترین حقوق زنان را به چالش گرفته، نخواهد شد. زنان آزادیخواه در این مبارزه از حمایت همه طبقات و اقشار زحمتکش جامعه برخوردار هستند. همستگی طبقاتی و انسانی اقتضا می کند که همه جنبش های اجتماعی، بویژه جنبش های کارگران، معلمان، روشنفکران، دانشجویان، بازنشستگان و پرستاران در حمایت پیگیرانه از حقوق زنان با صف متحد در کنار همدیگر قرار گیرند.

تشکل های مستقل، امضا کننده این بیانیه در راستای این هدف مشترک، مخالفت خود را با قانون زن ستیز «عفاف و حجاب» اعلام می کنند و از مبارزات زنان برای دستیابی به حقوق خود که بخش بسیار مهم و تعیین کننده ای از حقوق اساسی توده های مردم است، حمایت می کنند. ۲۵ آذر ۱۴۰۳ (از مدیای اجتماعی) سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه، گروه اتحاد بازنشستگان، کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری، بازنشسته خوزستان

لایحه ارتجاعی و سرکوبگرانه «عفاف و حجاب» با پشتیبانی مقامات عالی رتبه نظام و تأیید نهایی مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان به قانون تبدیل شد. این قانون که در ۷۴ ماده و پنج فصل تدوین شده است، عریان ترین حمله و سرکوب به حق انتخاب پوشش زنان و نمونه آشکار آپارتاید جنسی است. بر مبنای تحجر، انجماد فکری و ذهنی و انحطاط و تباهی اخلاقی نظام مرد سالار تدوین شده است. این قانون سلاحی دیگر برای تجاوز به حقوق زنان است که نیمی از جمعیت جامعه را تشکیل می دهند و در همان حال تعرضی بی شرمانه به آزادی و حقوق دموکراتیک همه مردم است که در دستور حاکمیت، مجلس و نهاد های سرکوب قرار گرفته است.

هدف تدوین کنندگان این قانون ارتجاعی و ضد زن، نظارت و کنترل بیشتر بر پوشش و سبک زندگی شهروندان، تعیین تکلیف گسترده برای دستگاه های اجرایی، فرهنگی، اجتماعی و صدور مجوز به همه نهادها و عناصر آتش به اختیار جیره خوار و دستور بگیر حکومت برای افزایش خفقان و بسته نگه داشتن جامعه به منظور سرکوب هر صدای آزادیخواهانه است.

چیزی که این قانون را از دیگر قوانین مشابه متمایز می کند، قانونی کردن سرکوب زنان و خشونت دولتی علیه آنان است که با مجازات های سنگینی برای رفتارهایی به زعم حاکمان، «کشف حجاب»، «بد پوششی و ترویج آن در جامعه» است، پیش بینی می کند. این مجازات ها شامل جریمه های نقدی سنگین، حبس، محدودیت های شغلی، محرومیت از فعالیت های اجتماعی و حتی ممنوعیت خروج از کشور است. این قانون همچنین نه تنها فضاهای عمومی، بلکه فضای مجازی و محیط های خصوصی را نیز تحت نظارت قرار می دهد که بیان کننده نقض آشکار حقوق و آزادی های فردی است.

اما روی دیگر این قانون متحجر و آزادی کُش، هشدار دور اندیشان خودی به حاکمیت و مسئولان آن است که ۴۵ سال تهاجم به حقوق زنان و تازیانه و سرکوبشان نتوانسته زنان و دختران را از مبارزات بحقشان منصرف کند و زنان مبارز ایران با جسارت و پیشتازی، به رغم همه افت و خیزها، پرچم جنبش برابری خواهانه و مترقی زن، زندگی آزادی را بر افراشته نگه داشته اند.

افزایش قیمت دلار، نشانه کاهش عمر حکومت

کاظم نیکخواه



از ثروت های عمومی را در کشور سوریه سرمایه گذاری کرده و دهها هزار نیروی زبده اش را تحت عنوان «مستشار» به این کشور گسیل کرده بود. همه اینها دود شد و نیروهایش تماماً فراری شدند. شکست اسد در واقع سرنگونی جمهوری اسلامی در منطقه بود. به قول طائب که گفته بود اگر اسد سقوط کند تهران را هم نمی توانیم نگه داریم، اکنون مانده اند که چه کنند که تهران از دستشان نرود. فضای اعتراضی و سرنگونی گسترده در جامعه، انزوای بین المللی، نابود شدن سران حزب الله و حماس بر متن یک اقتصاد ورشکسته و فلج و صفوف به هم ریخته و متشتت، تنها راهی که مقابل سران حکومت می گذارد فکر جایی برای بعد از سرنگونی است.

مندرج در ژورنال شماره ۹۱۳

سرمایه داران و معامله گران در مورد اوضاع سیاسی بسیار حساس اند و همه چیز را بو می کشند که پول هایشان بر باد نرود. روز گذشته نرخ هر دلار آمریکا از مرز ۷۵ هزار تومان گذشت. با سقوط بشار اسد معامله گران ارز وضعیت جمهوری اسلامی را شکننده و خطرناک ارزیابی می کنند و «ریسک های سیستماتیک» جدیدی را در بازارهای ایران شناسایی کرده اند و به همین دلیل اکثر بازارها از جمله طلا، ارز و سهام تحت تأثیر تحولات سیاسی اخیر در منطقه قرار گرفته اند. بعد از این تحولات، ریال سقوط مجددی داشت و در برابر بیشتر ارزها شیب ارزشی زیادی در پیش گرفت. این روند کاهش ارزش ریال همچنان ادامه دارد.

اولین نتیجه این وضعیت طبعاً تورم بالاتر و فشار معیشتی بیشتر بر زندگی مردم است که اکثراً برای تأمین ساده ترین معاش با معضل روبرو هستند. گسترش اعتراضات بازنشستگان، کارگران، پرستاران و معلمان نتیجه فوری این وضعیت فلج اقتصادی است که سفره همه آنها را از قبل خالی تر می کند.

با سقوط اسد جمهوری اسلامی یک شکست آشکار را تجربه کرد. میلیاردها دلار

تجمع کارگران جوشکار پالایشگاه تهران، بازنشستگان مخابرات و بروجرد و اخباری دیگر



تجمعات اعتراضی باید پاسخ این تعرض معیشتی را فوراً داد. در شهرکهای صنعتی کارگران با تجمعات خود میتوانند جلوی تعرضات معیشتی و کاری را بگیرند. حکومت وظیفه دارد مشکل برق را حل کند و خساراتی که در این مدت به کارگران و به مردم وارد شده پرداخت کند.

وضعیت اقتصاد و گرانی به جایی رسیده است که حتی بازاریان نیز دست به تجمع و اعتراض زده اند و امروز از جمله در بازار علاءالدین تجمع کردند و با شعار دلار صد تومانی نمیخواهیم، اعتراض کردند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۶ آذر ۱۴۰۳، ۱۶ دسامبر ۲۰۲۴

امروز بیست و ششم آذر ماه کارگران جوشکار شاغل در پالایشگاه نفت تهران در اعتراض به پرداخت نشدن حقوقشان در چهار ماه اخیر دست از کار کشیده و اعتصاب کردند. حقوقهای پرداخت نشده و کاهش هر روزه ارزش ریال و افزایش قیمت ها و کاهش هر روز قدرت خرید مردم و سطح بسیار نازل حقوقها موضوعات اعتراض بخش های مختلف کارگران و کل جامعه است. یک کانون داغ این اعتراضات در صنعت نفت است. کارگران ارکان ثالث نفت برای فردا به اعتراض سراسری فراخوان داده اند.

امروز همچنین بازنشستگان مخابرات همچون دوشنبه های قبل علیه فقر و بی تامینی و اختلاسهای ستاد اجرایی و تعاون سپاه (مالکان شرکت مخابرات) و نیز بی پاسخ ماندن مطالبات خود در شیراز و بروجرد تجمع کردند.

حرکت اعتراض دیگر در این روز از سوی اهالی شهرک صنعتی گلگون و اورین در استان تهران در اعتراض به قطع برق صورت گرفت. هم اکنون بحث بر سر ادامه قطعی برق است و در شهرک های صنعتی برق برای دو هفته قطع خواهد بود و در نتیجه این موضوع صاحبان مراکز کار بسیاری از کارگران را به خانه فرستاده اند بدون اینکه مزدی به آنها پرداخت شود و در جاهایی دست به بیکار سازی زده اند. این وضعیت و قطعی برق در سرمای زمستانی صدای اعتراض مردم را بلند کرده است. با



جنبش علیه اعدام در ایران را می توان گسترده تر کرد

یک سؤال از شهلا دانشفر

کیوان جاوید: اعدامها در ایران افزایش یافته است. علیه اعدام در ایران بیش از آنچه که تاکنون انجام گرفته است چه می شود کرد؟

شهلا دانشفر: بله اعدامها افزایش یافته و حکومتی که خود را در سراسیمه سقوط می بیند، می کوشد از این طریق هر چند کوتاه مدت هم شده مفری پیدا کند. اما در دل همین جنگ و کشمکش عقب نشینی های معناداری را شاهدیم که دیدن کل این تصویر می تواند پاسخ روشن تری به سؤال شما بدهد. ابتدا به اعدامها می پردازم.

بیانیه کارزار سه شنبه های نه به اعدام که شمار این زندانها به ۲۷ رسیده از اعدام ۷۷۰ نفر در کمتر از ۹ ماه سال ۱۴۰۳ سخن می گوید و تنها در یک روز ۲۵ آذر یازده زندانی که ۹ نفرشان بلوچ بودند، اعدام شدند. اما در دل همین کشاکشها شاهد عقب نشینی های معنا دار حکومتیم که نشانگر قدرت اعتراضات مردم است. حکم اعدام مجاهد کورکور از بازداشت شدگان انقلاب زن زندگی آزادی در ۲۳ آذر لغو شد که نتیجه کارزاری قدرتمند و جهانی بود.

به گفته وکیل جوانان اکباتان که در خطر اعدام اند، "قاضی" پرونده حکم قصاص نداده و امکان نقض حکم در دیوان عالی کشور هست. قبلاً هم شاهد لغو حکم اعدام فعال کارگری شریفه محمدی و قبل ترش توماج صالحی خواننده محبوب انقلاب بودیم که اخیراً هم آزاد شد. اینها پیشروی های جنبش قدرتمند علیه اعدام اند که ابعادی جهانی دارد.

بعلاوه همین هفته پرستو احمدی خواننده شجاعی که "کنسرت فرضی" بی حجاب را برگزار کرد و دو نفر از همراهانش بازداشت شدند. اما قدرت اعتراضات مردمی فرجه ای به حکومت نداد و فوراً آزاد شدند. مثال دیگر تعویق افتادن اجرای طرح عفاف و حجاب کذایی است.

این حکومتی است که دیگر باروتی ندارد. حکومت می خواهد بکشد تا بیشتر بماند و مردم که شاهد ضعف حکومت و به هم ریختگی صفوفش هستند، قدرت خود را می بینند، تداوم انقلابشان را فریاد می زنند. با این تصویر به تأکیدات برای پیشروی های بیشتر می پردازم. سقوط اسد نیز میخی برتابوت رژیم در منطقه است. اولین تأکید گسترش اعتراضات در سطح جامعه و فلج کامل حکومت است. در همین راستا تداوم همبستگی با "کارزار سه شنبه های نه به اعدام" در داخل و در خارج کشور مهم است.

دوم پیوستن به کارزارهای اضطراری برای افراد زیر خطر اعدام است. برای نجات پخششان عزیزی کارزارهای متعددی به راه افتاده و تاکنون ۱۳۶۳ نفر از فعالین اجتماعی باکس استوری ای در حمایت از او را امضا کرده اند. به این کارزار و اعتراضاتی از این دست بپیوندیم.

سوم ادامه قدرتمندتر اقدام مشترک دهها نهاد ایرانی و بین المللی علیه اعدامهای مرتبط به مواد مخدر در ایران است. بویژه بیشترین اعدامها از میان این قربانیان کم صدا است که بعنوان مثل در سیستان و بلوچستان صورت می گیرد. با اعتراضی متحد و سراسری مقابل اعدامها بایستیم و راه به پیروزی رساندن انقلابمان را هموار کنیم. مندرج در ژورنال شماره ۹۱۴



کارزاری برای نجات جان پخشان عزیزی

اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی تهران، که به جرم "فعالیت های داوطلبانه و انسان دوستانه" خود در میان آوارگان جنگ داعش، دستگیر و به حکم #بغنی و اعدام محکوم شده است. در پی اظهارات وکلای وی مبنی بر رسیدگی شتابزده در دیوان عالی کشور، خطر اعدام برای پخشان عزیزی جدیست.

ما امضاکنندگان این طومار خواهان لغو فوری حکم اعدام پخشان عزیزی هستیم و از همگان می خواهیم برای نجات جان پخشان عزیزی همصدا شویم. برگرفته از مدیای اجتماعی

اکنون ۲،۱۱۵ نفر از دادخواهان، فعالان حقوق زنان، وکلا، فعالان جنبش زن زندگی آزادی، فعالان حقوق کودکان، فعالان کارگری، معلمان، بازنشستگان، نویسندگان، پرستاران، شعرا، آسیب دیدگان چشمی جنبش زن زندگی آزادی، هنرمندان و مردم آزادیخواه با امضا این بیانیه خواهان لغو حکم اعدام #پخشان_عزیزی شده اند. شما هم به پتیشن آنلاین علیه حکم اعدام پخشان عزیزی بپیوندید.

پخشان عزیزی را از یاد نبریم خطر اعدام جدی است حکم اعدام پخشان عزیزی لغو باید گردد

پخشان عزیزی روزنامه نگار و فعال زنان، اهل مهاباد و دانش آموخته مددکاری

آزادی پرستو احمدی و همکارانش؛ نماد قدرت انقلاب زن، زندگی، آزادی در برابر سرکوب حکومتی

#زن_زندگی_آزادی و ترس جمهوری اسلامی از تقویت اعتراضات مردمی علیه بازداشت این هنرمندان میدانند. اعتراضاتی بر بستر انقلاب زن زندگی آزادی، که حالا آنقدر بزرگ و تأثیرگذار شده اند که رژیم، با تمام سازوکار سرکوبش، از مهارشان عاجز است.

این بازداشتها و نمایش سرکوبها، تنها زبونی و وحشت حاکمیت از صدای زنان و جامعه ای را آشکار می کند که دیگر از تهدید و ارباب نمی هراسد. انقلاب زنانه تاکید دارد این هنرمندان هیچ جرمی مرتکب نشده اند، لذا باید پرونده قضایی آنها فوراً و بی قید و شرط مختومه اعلام شده و صفحه اینستاگرام پرستو احمدی به او بازگردانده شود. جمهوری اسلامی یک حکومت ناقض آشکار حقوق انسانی، حقوق بشر، آزادی بین است و باید از تمامی سازمانها و نهادهای بین المللی اخراج گردد.

درود بر پرستو احمدی و تمامی عوامل برگزاری کنسرت کاروانسرا که این چنین خونی تازه در رگهای انقلاب زن زندگی آزادی دمیدند. پایان این مسیر، چیزی جز پیروزی انقلاب زن زندگی آزادی و سرنگونی جمهوری اسلامی نیست.

این انقلاب زنانه است کل نظام نشانه است
برگرفته از کانال انقلاب زنانه (مدیای اجتماعی)

پرستو احمدی، خواننده ایرانی، که به دلیل اجرای کنسرتی آنلاین بدون حجاب و بدون تفکیک جنسیتی در یک کاروانسرا بازداشت شده بود، با مداد یکشنبه ۲۵ آذر آزاد شد. وکیل او، میلاد پناهی پور، خیر آزادی احمدی و دو نوازنده همراهش، احسان بیرقدار و سهیل فقیه نصیری، را تأیید کرد. این نوازندگان نیز شامگاه شنبه آزاد شدند، اما باید صبح یکشنبه به ضابط قضایی معرفی شوند.

پیش تر، قوه قضاییه جمهوری اسلامی اعلام کرده بود این کنسرت به دلیل «برگزاری بدون مجوز و رعایت موازین شرعی» غیرقانونی بوده و برای عوامل آن پرونده تشکیل شده است. ضمناً صفحه اینستاگرام پرستو احمدی نیز از دسترس خارج شده است.

کنسرت مذکور که با عنوان «کنسرت فرضی» در یوتیوب منتشر شد، بازتاب گسترده ای در شبکه های اجتماعی داشت و بسیاری از آن به عنوان نمادی از انقلاب #زن_زندگی_آزادی یاد کردند. در مقابل، رسانه های وابسته به حکومت این اجرا را «تقابل فرهنگی» و اقدامی برای تحریک افکار عمومی توصیف کردند. روزنامه جوان این حرکت را آغاز دوباره پروژه های سریالی هنجارشکنی خواند.

این رویداد واکنش های متعددی از سوی مردم، هنرمندان، و فعالان به همراه داشت و با استقبال گسترده ای در فضای مجازی روبه رو شد.

تشکل انقلاب زنانه ضمن ابزار خرسندی از آزادی پرستو، احسان بیرقدار و سهیل فقیه نصیری، این آزادی فوری را بیش از هر چیز قدرت و نفوذ انقلاب



شعارهایی از اعماق جامعه

مرگ بر حکومت جنگ افروز
جنگ افروزی کافیست، سفره ما خالیه
اتحاد، اتحاد، علیه فقر و فساد!
جنگ افروزی را رها کن، فکری به حال ما کن
حکومت جنگ افروز نمیخوایم نمیخوایم
دشمن ما همینجاست دروغ میگویند آمریکاست
موشک پرانی کافیست، سفره ما خالیه
نه به حکومت آپارتاید جنسی و جنسیتی
۲۵ نوامبر: "روز جهانی منع خشونت علیه زنان"

زن زندگی آزادی
نه به اعدام! اعدام نکنید!
سلام بر آبان! آبان ادامه داره.
فقر فساد گرونی میریم تا سرنگونی
دزدی های نجومی، فلاکت عمومی
ایستاده ایم تا پایان!
جمهوری اسلامی نابود باید گردد
زندانی سیاسی آزاد باید گردد